



رهنمودهای رهبرانقلاب اسلامی به زوج های جوان



منعکس کننده نگاه رهبرانقلاب اسلامی

به مقوله زنان، خانواده و سبک زندگی



 aparat.com/reyhaneh

 [instagram.com/khamenei_reyhaneh](https://www.instagram.com/khamenei_reyhaneh)

    [@khamenei_reyhaneh](https://www.facebook.com/khamenei_reyhaneh)

 [KHAMENEI.IR](https://www.khamenei.ir)

بسمہ تعالیٰ

اینک لحظه‌ی پر شکوه یک پیوند آسمانی از راه
رسیده است.

دور هرو جوان می‌خواهند بر اساس خواست و رضای
خداوند، دست در دست هم، راه زندگی را به سوی
هدف والای آن سیر کنند.

راستی! این چه میثاق عمیق و مهمی است!
طبع و غریزه، «زوج» می‌خواهد. روان پر تلاطم،
«همسر» می‌طلبد. روح بی قرار، بدون «او» احساس
نقصان و کمبود می‌کند. خداوند هر یک را بدون
دیگری نمی‌پسندد و پیامبر صلی الله علیه و آله
«از دواج» را سنت خویش و راه رسیدن به رضای الهی
و صیانت بخشیدن به نیمی از دین معرفی می‌کند.
می‌خواهند بیشتر بدانند تا با هشیاری «بله» بگویند.
شنیدن از این «سید» چقدر مغتنم است.
خوشا بحالشان!

آنچه در ادامه می‌خوانیم، گوشه‌ای از توصیه‌های
حضرت آیت الله خامنه‌ای خطاب به زوج‌های جوان
است که ایشان در مراسم قرائت خطبه‌ی عقد بیان
فرموده‌اند.

منعکس‌کننده نگاه رهبر انقلاب اسلامی
به مقوله زنان، خانواده و سبک زندگی



۴	رهنمود اول: همسفر تا بهشت	۱
۸	رهنمود دوم: بالاتر از واقعیت	۲
۱۶	رهنمود سوم: هنر تقسیم کار	۳
۲۲	رهنمود چهارم: سازش و سازگاری	۴
۲۶	رهنمود پنجم: زندگی شیرین	۵
۳۲	رهنمود ششم: هشدارها و یادآوریها	۶
۳۶	رهنمود هفتم: آسان گیری	۷

 aparat.com/reyhaneh

 [instagram.com/khamenei_reyhaneh](https://www.instagram.com/khamenei_reyhaneh)

    @khamenei_reyhaneh



KHAMENEI.IR

دفتر مطبوعه و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

رهنمود اول: همسفر تا بهشت

مفهوم خوشبختی

خوشبختی عبارتست از آرامش، احساس سعادت و احساس امنیت. ۱۳۷۹/۳/۳۰
جشن و اسراف و زیاده‌روی، کسی را خوشبخت نمی‌کند. مهریه و جهیزیه هم
کسی را خوشبخت نمی‌کند. پای بندی به روش شرع است که انسان را خوشبخت
و سعادت‌مند می‌کند. ۱۳۷۵/۲/۱۰

همدیگر را بهشتی کنید!

از دواج و اختیار همسر، گاهی در سرنوشت انسان مؤثر است. خیلی از زن‌ها هستند
که شوهرانشان را بهشتی می‌کنند. خیلی از مرد‌ها هم هستند که زن‌هایشان را
بهشتی می‌کنند. عکس آن هم هست. اگر زن و شوهر این کانون خانوادگی را قدر
بدانند و برای آن اهمیت قائل باشند، زندگی، امن و آسوده خواهد شد و کمال
بشری برای زن و شوهر در سایه‌ی ازدواج خوب ممکن خواهد شد. ۱۳۷۵/۲/۱۰
گاهی هست که مرد در فعالیتهای زندگی سرد و راهی می‌رسد. انتخاب باید بکند
یا دنیا را و یا راه صحیح و امانت و صداقت را، یکی از این دو تا را باید انتخاب کند؛
این جاست که زن می‌تواند او را به راه اول یا به راه دوم بکشانند. متقابلاً، طرف عکس
آن هم هست. شوهرها هم در مورد همسرانشان می‌توانند این طور تأثیرات را
داشته باشند. سعی کنید باهم این طور باشید. هر دو کوشش کنید که متدین،

در راه خدا، در راه اسلام، در راه حقیقت، در راه امانت و صداقت، نگهدارید و مانع از انحراف و لغزش شوید. ۱۳۷۹/۱۲/۲۱

در دوران بسیار دشوار سالهای مبارزات و همچنین سالهای انقلاب، خیلی از زنها شوهران خود را با صبر و همکاری شان بهشتی کردند. مردها رفتند در جبهه‌های گوناگون و خطرات را متحمل شدند. این زنها در خانه‌ها لرزیدند و دچار تنهایی و غربت گشتند. اما زبان به شکوه باز نکردند، شوهرهایشان از رفتن به جبهه و از ورود در میدان مبارزه، از ادامه مبارزه پشیمان شوند. می‌توانستند این طوری عمل کنند ولی نکردند. بی‌صبری نشان ندادند. شوهرانی هم بودند که همسرانشان را بهشتی کردند، هدایت آنها، دستگیری و کمک آنها موجب شد که این زنها بتوانند در راه خدا حرکت کنند. عکس آن را هم داشته‌ایم. زنهایی بوده‌اند که شوهران خود را اهل جهنم کرده‌اند و مردهایی هم بوده‌اند که زنهای خود را جهنمی کرده‌اند. می‌توانید با هم همکاری کنید، همدیگر را اهل بهشت کنید، همدیگر را سعادتمند کنید، همدیگر را در راه تحصیل علم، تحصیل کمال، پرهیزگاری، تقوی و ساده زیستی کمک کنید. ۱۳۷۹/۱۲/۲۳

همدیگر را خوشبخت کنید!

خیلی از زنها هستند که شوهر خودشان را بهشتی می‌کنند. خیلی از مردها هستند که همسر خود را حقیقتاً سعادتمند می‌کنند. موارد عکس این هم هست. ممکن است مردهای خوبی باشند، زنهایشان آنها را اهل جهنم کنند و زنهای خوبی باشند که مردهایشان آنها را اهل جهنم کنند. اگر چنانچه زن و مرد هر دو توجه داشته باشند، با توصیه‌های خوب، با همکاری‌های خوب، با مطرح کردن دین و اخلاق در محیط خانه - آن هم بیشتر از مطرح کردن زبانی، مطرح کردن عملی - این طور یکدیگر را کمک می‌کنند. آن وقت زندگی کامل و حقیقتاً وافی و شافی خواهد شد. ۱۳۷۷/۱۲/۱۱

انسان با راهنمایی و دلسوزی و تذکر بجا، با مانع شدن از زیاده‌رویها و بعضی کج رفتاریهای همسرش، می‌تواند او را اهل بهشت کند. البته عکس آن هم هست. با افزون طلبیها، با توقعات و باروشهای غلطی که وجود دارد، می‌تواند همسر خود را جهنمی کند ... ۱۳۷۸/۴/۹

تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر

همدلی و همکاری کردن، معنایش این است که همدیگر را در راه خدا حفظ کنید. تواصی به صبر و تواصی به حق کنید. اگر خانم خانه می‌بیند شوهرش دارد دچار یک انحرافی می‌شود، فرضاً در یک معامله‌ی نامشروعی دارد قرار می‌گیرد، توی یک جریان غلطی دارد می‌افتد، توی پول در آوردنهای نادرست دارد می‌افتد، توی رفیق بازیهای ناسالم دارد می‌افتد، اول کسی که باید او را حفظ کند، اوست، اگر متقابلاً مرد این احساسها را به نوع دیگری از زنش کرد، اولین کسی که باید زن را حفظ کند شوهر اوست. البته حفظ کردن هم، با محبت کردن و با زبان خوش و با منطق صحیح و با برخورد مدبرانه و حکیمانه حاصل می‌شود نه با بد اخلاقی و قهر و این چیزها. یعنی هر دو مراقب باشند تا آن دیگری را در راه خدا حفظ کنند. ۱۳۷۹/۸/۲۱

باهم همکاری کنید، به هم کمک کنید خصوصاً در امر دین. اگر می‌بینید طرف شما، شوهر یا زن شما کاهل نماز است، به نماز کم اهمیت می‌دهد، به راستگویی کم اهمیت می‌دهد، به مال مردم کم اهمیت می‌دهد، به شغل دولتی کم اهمیت می‌دهد، او را بیدار کنید، به او بگویید، به او بفهمانید و کمک کنید که خودش را اصلاح کند یا اگر می‌بینید که در امر محرم و نامحرم، در امر پاکی و نجسی، در امر حلال و حرام آدم بی‌اعتنا و بی‌مبالاتی است، به او توجه بدهید، او را آگاه کنید، کمک کنید که خوب شود. دروغ‌گوست، غیبت کن است، به او تفهیم کنید، نه اینکه دعوا کنید، نه اینکه اوقات تلخی کنید، نه اینکه مثل یک منتقد بداخلاق بنشینید یک کناری هی نق بزنید. ۱۳۷۴/۶/۱۳

مثل یک پرستار نه آقا بالاسر

زن و شوهر باید همدیگر را در راه صحیح و صراط مستقیم الهی حمایت کنند. اگر هر کدام از اینها مشاهده می‌کنند یک عمل خیر و یک کار شایسته‌ای از همسرشان سر می‌زند، آن را تشویق کنند و اگر بر عکس، احساس کردند که خطایی، یک انحرافی - خدای نخواست - وجود دارد، سعی در اصلاح آن نکنند. یکدیگر را در راه خدا کمک و تشویق کنند. ۱۳۷۹/۶/۴

زن و شوهر باید سعی کنند که یکدیگر را اصلاح کنند. نه مثل یک آقا بالاسر که مرتب به دیگری نیش بزند؛ نه! مثل یک پرستار، یک مادر و پدر دلسوز. ۱۳۷۲/۱۲/۲۲

وجه مشترک زوجین در زندگی باید عبارت باشد از توجه به خدا و اطاعت دستورات الهی و عمل به فرامین خدا. زن و شوهر باید همدیگر را در این جهت حفظ کنند. اگر زن می‌بیند که شوهر او بی‌اعتنا به مسائل دینی است، او را با حکمت و اخلاق خوش و ظرافت و زیرکی زنانه، وادار به آمدن در راه خدا کند. مرد هم اگر می‌بیند زنش بی‌اعتناست، او هم باید همین تکلیف را انجام دهد. این از کارهای اساسی زندگی است. ۱۳۷۲/۲/۱۳

مراقبت اخلاقی

مهمترین کمک به همسر، این است که سعی کنید همدیگر را دین‌دار نگهدارید. مراقب باشید همسرتان خطای دینی نکند. این مواظبت هم به معنای پاسبانی و دیده‌بانی نیست. این مراقبت، مراقبت اخلاقی است، مراقبت مهربانانه و مراقبت پرستارانه است. اگر چنانچه خطایی از همسرتان دیدید، آن را باید با شیوه‌ی بسیار لطیف و عاقلانه‌ای در او از بین ببرید و برطرف کنید. یا با تذکر و یا با بعضی از مراعاتها نسبت به هم مسئولیت دارید.

زن اگر می‌بیند شوهرش در معاملات بد افتاده، در رفیق بازیهای بد و معاشرت‌های بد افتاده، یا مرد می‌بیند زنش افتاده در بعضی تجمل پرستی‌های غلط یا ولنگاری‌های غلط، نباید بگوید: حالا او خودش است. نه، شما هر کدام نسبت به هم وظیفه دارید. باید همت خود را متمرکز کنید. زن و مرد می‌توانند بر روی هم اثر بگذارند... ۱۳۷۹/۸/۳

رهنمود دوم: بالاتراز واقعیت

بالاتراز واقعیات زندگی...

بالاتراز واقعیات زندگی، آرزوها و عشق‌ها و احساسات انسانی در زندگی نقش دارند. نقششان هم نقش تبعی و درجه دوم نیست، بلکه نقش اصلی است و می‌تواند ملاط این بنای فخیم و بسیار مستحکم قرار بگیرد. این را چگونه باید تنظیم کرد؟ زن و مرد باید هر کدام جایگاه خودشان را بشناسند. مرد نسبت به زن و زن نسبت به مرد، نگاهی محبت آمیز و همراه با یک عشق پاک داشته باشند و این عشق را حفظ کنند؛ چرا که زایل شدنی است، مثل همه چیزهای دیگر. باید نگهش دارند و حفظ کنند که زایل نشود... ۱۳۷۸/۱۲/۲۲

اصل قضیه، عشق است

اگر در زندگی محبت وجود داشت، سختیهای بیرون خانه آسان خواهد شد. برای زن هم سختیهای داخل خانه آسان خواهد شد. ۱۳۷۷/۸/۱۱ در ازدواج، اصل قضیه محبت است. دخترها و پسرهای این را بدانند. این محبتی را که خدا در دل شما قرار داده، حفظ کنید. ۱۳۷۴/۱۰/۱۷ این رابطه‌ی انسانی، بر اساس محبت و رابطه‌ی عاطفی استوار است. یعنی زن و شوهر باید به هم محبت داشته باشند و همین محبت، همزیستی آنها را آسان خواهد کرد. عامل محبت هم به پول و تشریفات و این چیزها بستگی ندارد. ۱۳۷۵/۹/۴ محبت، خانواده را پایدار می‌کند. محبت مایه‌ی آبادی زندگی است. کارهای سخت به برکت محبت برای انسان آسان می‌شود. در راه خدا هم اگر انسان با محبت وارد شود، همه کارها آسان خواهد شد. ۱۳۷۶/۷/۳۰ دختر و پسر، عروس و داماد به هم محبت بورزند؛ چون محبت آن ملاطی است که اینها را برای هم حفظ می‌کند، در کنار هم نگه می‌دارد و نمی‌گذارد از هم جدا شوند. محبت خیلی چیز خوبی است. محبت که

بود، وفاداری هم هست. بی‌وفایی و بی‌صفایی و خیانت به یکدیگر، دیگر نخواهد بود. محبت که بود، فضا، فضای انس می‌شود. فضای قابل تحمل و مورد استفاده و شیرین ایجاد می‌گردد. ۱۳۷۶/۹/۲۴

هر چه قدر بیشتر، بهتر

زن و شوهر هر چه بیشتر به هم محبت کنند، زیادی نیست. آن جایی که محبت هر چه زیاد شود، ایرادی ندارد، محبت زن و شوهر است. هر چه به هم محبت کنید، خوب است و خود محبت هم اعتمادی می‌آورد. این محبت زن و شوهر هم جزو محبت‌های خدایی است. این از آن محبت‌های خوب است. هر چه بیشتر شود بهتر است.

از محبت خارها گل می‌شود

زن و شوهر باید به هم محبت بورزند. این اساس خوشبختی است. خوشبختی در این است که زن و شوهر همدیگر را دوست داشته باشند. ۱۳۷۷/۱/۱۹
وقتی محبت باشد، از محبت خارها گل می‌شود. اگر چیز ناخوشایندی هم در همسر وجود داشته باشد، وقتی محبت بود، آن چیزهای ناخوشایند، به کلی رنگ می‌بازد و محبت همه‌ی چاله‌ها را صاف می‌کند. ۱۳۷۸/۱/۱۵

محبت، دستوری و سفارشی نیست

محبت، دستوری و فرمایشی نیست. دست خود شماست. شما می‌توانید محبت خودتان را روز به روز در دل همسران زیاد کنید. چطوری؟ با اخلاق خوب، با رفتار مناسب، با محبت ورزیدن به او، با وفاداری. ۱۳۷۶/۷/۳۰ اگر زن بخواهد شوهرش به او محبت بورزد، باید حرکت و تلاش کند. اگر مرد بخواهد زنش او را دوست داشته باشد، باید یک تلاشی انجام بدهد. محبت محتاج تلاش و ابتکار است. ۱۳۷۷/۱/۱۹
محبت در صورتی خواهد ماند که طرفین حقوق یکدیگر و حدود خود را رعایت کنند و از آن تخطی و تجاوز نکنند. یعنی در واقع هر کدام از این دو طرف که دو شریک هستند و با هم زندگی را بنا می‌کنند، سعی کنند که جایگاه خود را در دل و ذهن و فکر طرف مقابل، جایگاه راسخ و نافذی قرار دهند. یعنی همان نفوذ معنوی؛ همان ارتباط و پیوند قلبی زن و شوهر. حقوق اسلامی برای این است. ۱۳۷۷/۱۲/۱۱



اگر بخواهید این محبت باقی بماند، به جای اینکه از طرف مقابلتان توقع کنید که او مرتب به شما محبت کند از دل خودتان بخواهید که تراوش محبت او روز به روز بیشتر شود. محبت به طور طبیعی، محبت می‌آفریند. ۱۳۷۹/۷/۱۹

عشق‌بازی دگر و نفس‌پرستی دگراست

امروز در دنیا تعبیر بدی از محبت می‌کنند، این عشقی که تعبیر می‌کنند، اینها، آن محبت واقعی نیست. این، همان حالت هیجان جنسی است که به یک شکل خاصی آن را ظاهر می‌کنند. این ممکن است در خیلی از موارد پیش بیاید، ارزشی هم ندارد. آن چیزی که با ارزش است، آن محبت عمیق و صمیمی و خدایی و همراه با احساس مسئولیت متقابل بین دختر و پسر است که بدانند حالا بعد از این، یک‌واحدند و یک هدف را دنبال می‌کنند. این، آن محبتی است که خانواده بر اساس آن شکل می‌گیرد. ۱۳۷۹/۱۰/۱۵ آن محبت‌ها و عشق‌هایی که بر اساس مبانی انسانی نیست و از روی مسائل ظاهری و شهوات زودگذر است، اینها خیلی پایه و بنیادی ندارد. اما محبتی که بر اساس آن اصل انسانی است که خدای متعال آن را قرار داده، بخصوص اگر چنانچه با شرایطی که در همین ازدواج اسلامی رعایت شده و توصیه شده است، اگر با اینها همراه باشد، این محبت روز به روز بیشتر می‌شود. ۱۳۸۰/۱/۲

گام اول: احترام متقابل

زن و شوهر باید به یکدیگر احترام بگذارند، نه احترام ظاهری و تشریفاتی، بلکه احترامی واقعی. ۱۳۸۰/۱/۲ احترام به این معنا نیست که مثلاً همدیگر را با القاب و آداب صدا کنند. بلکه قلباً مرد نسبت به زن خود و زن نسبت به مرد خود، احساس احترام داشته باشند. احترام را در قلب خود نگهدارید، برای هم حرمت قایل باشید. این در اداره‌ی زندگی مهم است. بین زن و شوهر، اهانت و تحقیر و تذلیل نباشد. ۱۳۷۱/۹/۱۹

گام دوم: اعتماد سازی

نگه داشتن محبت به این است که زن و شوهر اعتماد یکدیگر را جلب کنند. اطمینان که پیدا شد، محبت، پایدار می‌شود و انس به وجود می‌آید. ۱۳۷۴/۹/۲۸

اساس محبت، اطمینان است. اگر اعتماد بین زن و شوهر از بین رفت، محبت آرام

آرام از بین خواهد رفت. باید به هم اعتماد داشته باشید. ۱۳۷۷/۱/۱۹

اگر می‌خواهید محبت طرف مقابلتان به شما زیاد باشد، وفاداری کنید، حس اعتماد او را جلب کنید. یکی از چیزهایی که محبت را در خانواده به کلی به هم

می‌ریزد، بی‌اعتمادی زن و شوهر به همدیگر است... ۱۳۷۹/۷/۱۹

محبت یک امری است که باید زمینه آن را فراهم کرد و زمینه‌اش این است که دختر سعی کند اعتماد شوهرش را به خود جلب کند، پسر هم سعی کند اعتماد زنش را به خود جلب کند. وقتی اعتماد طرفین وجود داشت، هر دو به وفاداری

هم اطمینان پیدا کردند، محبت زیاد می‌شود... ۱۳۷۹/۹/۲۲

وفاداری، خیلی مهم است. اگر زن احساس کند شوهرش به او وفادار است و شوهر احساس کند زنش به او وفادار است، این خود به وجود آورنده محبت است. محبت که به وجود آمد، آن وقت خانواده پایدار خواهد شد. یک بنای مستحکم

و پایداری که سالهای متمادی ادامه پیدا می‌کند... ۱۳۷۶/۷/۳۰

اگر زن یا شوهر احساس کند که دل همسرش در گروی جای دیگر است، اگر احساس کند به او راست نمی‌گوید، اگر احساس کند با دورویی برخورد می‌کند، اگر احساس کند صمیمیتی در بین نیست، هر چه هم محبت داشته باشد این

محبت ضعیف خواهد شد... ۱۳۷۹/۱۲/۲۱

وفاداری کن تا جلب اعتماد کنی!

محبت ورزیدن، یک امری است که در اول کار خدای متعال این را به شما می‌دهد، سرمایه‌ای است که در اول ازدواج، خدا به دختر و پسر هدیه می‌کند. به یکدیگر محبت پیدا می‌کنند. این را باید نگه داشت. محبت همسر شما به شما، وابسته به عمل شماست. اگر بخواهید همسرتان به شما آن محبتش محفوظ بماند، باید رفتار خودتان را محبت برانگیز کنید. حالا معلوم است که انسان چه کار باید بکند تا محبتش معلوم شود. بایستی وفاداری کنید، امانت نشان بدهید، صفا نشان بدهید. توقعات خود را خیلی بالا نبرید، باید همکاری کنید، باید اظهار محبت



کنید، اینها محبت ایجاد می‌کند. هر دو نسبت به هم این وظیفه را دارند. محبت در زندگی باید باشد. همکاری باشد، ایرادگیری و زیاده‌طلبی نباشد. ۱۳۷۶/۱۲/۱۹

اعتماد، قراردادی نیست

اعتماد، یک امر قرار دادی نیست که بیا من به تو اعتماد کنم، تو به من اعتماد کن. این طوری نیست. اعتماد را باید جلب کرد. با خوبی عمل، با رعایت اخلاق، با رعایت آداب، با رعایت حدود و ثغور و موازین شرعی ... ۱۳۷۵/۲/۱۰ بی‌اعتمادی پایه‌ی محبت را از بین می‌برد. نگذارید این بی‌اعتمادی به وجود بیاید. احساس بی‌وفایی محبت را مثل خوره می‌خورد و از بین می‌برد. ۱۳۷۹/۱۱/۱۶

اگر زن احساس کرد شوهرش به او دروغ می‌گوید یا مرد احساس کرد که زنش به او دروغ می‌گوید و هر کدام احساس کردند دیگری در اظهار محبت صادق نیست، این دیگر پایه‌های محبت را سست خواهد نمود. اگر می‌خواهید محبت باقی بماند، اعتماد را حفظ کنید و اگر می‌خواهید زندگی پایدار بماند باید محبت را نگه دارید. ۱۳۸۱/۶/۶

ذوب‌کردن تهداد لابه‌لای محبت‌ها

زن و شوهر باید به هم محبت داشته باشند، همین! کارهایی که محبت را کم می‌کند، انجام ندهید. مواظب باشید چیزهایی که شما را از هم گله‌مند و بیزار می‌کند، از شما سر نزنند. درست نگاه کنید ببینید شوهر شما یا زن شما روی چه چیزهایی خیلی حساس است، از آنها اجتناب کنید، بعضی‌ها بی‌اعتنایی می‌کنند. مثلاً فرض بفرمایید که زن از یک عادت‌ی که مرد دارد بدش می‌آید، این مرد هم بی‌اعتناست و آن عادت را باز تکرار می‌کند. این بد است. همین طور زن‌ها. فرض بفرمایید زن‌هایی هستند که هوسهای شخصی خود را (فلان چیز را بخریم فلان جا برویم و ...) بر راحتی و آسایش شوهر ترجیح می‌دهند. چه لزومی دارد؟ اصل کار، شما دو نفر هستید. همه دنیا فرع شمایند. همدیگر را داشته باشید، با همدیگر مهربان باشید. ۱۳۷۱/۹/۲۴ اگر یک وقتی خدای نکرده یک کدورتی پیش آمد، باید لابه‌لای محبت ذوبش کنید و از بین ببرید. نباید یک حرف کوچکی را بزرگ کنند و مرتب کش بدهند، اینها نباید باشد ... ۱۳۷۶/۹/۲۴ اگر زن و شوهرها نسبت

به احساسات یکدیگر بی‌اعتنایی و بی‌توجهی کنند و به تدریج حالت بی‌محبتی از یک طرف به وجود بیاید، چون بی‌محبتی مرضی مسری است، حتماً به آن طرف دیگر هم سرایت می‌کند. این طوری است. نباید بگذارید، هر دو باید تلاش و کوشش کنید. این پایه اصلی است. ۱۳۷۹/۵/۱۶

بزرگترها هم کمک کنند

باید جوانها را هدایت کرد، اما در جزئیات امور آنها نباید خیلی دخالت کرد که زندگی برای آنها مشکل می‌شود. ۱۳۷۶/۹/۶ مبدا بعضیها با دخالتهای خودشان، بعضیها با کم‌ظرفیتی و خویِ بچگی خودشان، این بنای مستحکم را به اندک چیزی متزلزل کنند. اگر دیدند دخالتهای آنها دارد این زن و شوهر را نسبت به هم دل چرکین می‌کند، دیگر اجازه ندانند دخالت کنند. ۱۳۷۵/۲/۱۷ بزرگترها اگر می‌خواهند این جوانها راحت زندگی کنند، باید آنها را نصیحت کنند و هدایت نمایند. اما دخالت نباید بکنند. بگذارند زندگیشان را بکنند. ۱۳۷۴/۵/۱۸ مبدا خدای نکرده بزرگترها بیایند پیش یکی از زوجین، از آن دیگری بدگویی کنند، یک چیزی بگویند دلخوری درست کنند، بلکه باید بزرگترها سعی کنند. بپتر اینها را به هم نزدیک نمایند و دلهايشان را بهم متصل تر کنند. ۱۳۷۷/۸/۱۱ والدین نقش زیادی در ایجاد محبت دارند. والدین دختر و پسر باید دائماً همتشان این باشد که این را نسبت به دیگری با محبت کنند. اگر هم چنانچه یک چیزی دیدند از طرف مقابل که برایشان خوشایند نبود، آن را برای فرزند خودشان ذکر نکنند. بگذارید این دو با یکدیگر روز به روز مأنوس تر و با محبت تر باشند ... ۱۳۷۱/۶/۳۱ پدر و مادرها باید سعی کنند محبت زن و شوهرها را - این بچه‌هایشان را، جوانهایی را که از دواج می‌کنند - تأمین کنند. گاهی ممکن است یک دلخوریهایی پیش بیاید، پدر و مادرها که تجربه دارتر هستند، بزرگتر هستند، عاقل تر هستند، بگذارند که این دلخوریها به دلسردی زن و شوهر جوان از هم منتهی شود.

۱۳۸۰/۱۲/۹

رهنمود سوم: هنر تقسیم کار

تقسیم کارها

وقتی دو نفر در کنار هم قرار می‌گیرند و همسر می‌شوند، بعضی از وظایف وجود دارد که بین اینها مشترک است. مانند کشیدن بارهای خانواده، همکاری‌های گوناگونی که در راه بردن خانواده مؤثر است. اینها باید با هم همکاری کنند. این کارها بین زن و مرد مشترک است. حداکثر این است که تقسیم کار شود. گاهی تقسیم کار هم نمی‌کنند اما بهترش این است که تقسیم کار هم بشود. بخشی از کارها را زن انجام می‌دهد، بخشی از کارها را مرد انجام می‌دهد. مثل همه‌ی همکاری‌هایی که وجود دارد؛ مثل همه‌ی همسنگریها. ۱۳۷۸/۱۲/۲۲

در محیط خانواده، زن و شوهر با هم همکاری کنند. اگر شوهر یک مشکلی یا مضيقه‌ای دارد، زن با او بسازد، اگر زن داخل خانه یا در محیط کار یا هر جور که هست، دشواری دارد، شوهر باید به او کمک کند. خود را در سرنوشت همسر باید شریک بدانند، هر دوی آنها این را برای خاطر خدا انجام دهند. ۱۳۷۸/۱/۱۵

به هم روحیه بدهید

همکاری و کمک گاهی به این نیست که وارد حجم کار یکدیگر بشوند، نه. بلکه یکدیگر را روحاً تدارک کنند. مردها معمولاً با مسائل مشکل‌تری در جامعه برخورد دارند، زن‌ها می‌توانند به آنها روحیه بدهند. می‌توانند خستگی آنها را از نشان

بیرون کنند. به آنها تبسم کنند و به آنها دلخوشی دهند. اگر چنانچه خانمها هم کاری بیرون از خانه دارند، باز مرد به آنها کمک کند و او را تقویت نماید. ۱۳۷۸/۱/۱۵

مراد از همکاری، همکاریِ روحی است. اینکه زن ضرورتهای مرد را درک کند، فشار اخلاقی روی او وارد نیاورد، کاری نکند که او در امر زندگی مستأصل شود و خدای نکرده به راههای نادرست متوسل بشود. او را به ایستادگی و مقاومت در میدانهای زندگی تشویق کند و تحریص نماید. اگر چنانچه کار او مستلزم این است که یک مقداری به وضع خانوادگی مثلاً رسیدگی کافی نداشته باشد، این را به رُخ او نکشد، اینها مهم است. اینها وظیفه‌هایی است از طرف زن، از طرف مرد هم وظیفه است که ضرورتهای زن را درک کند، احساسات او را بفهمد و نسبت به حال او غافل نباشد. ۱۳۷۵/۲/۱۰

زمینه سازی برای موفقیت

پسر اگر می‌بیند دختر در راه انجام تکالیف اسلامی خودش، یک قدم خیری می‌خواهد بردارد، وسایل را برایش فراهم بکند و مانع تراشی نکند. بعضی دخترها هستند می‌خواهند فرض کنید ادامه تحصیل بدهند، درس دین بخوانند، با قرآن آشنا بشوند، کارهای خیر بکنند و در بعضی از امور خیریه شرکت داشته باشند. شوهرانشان گاهی نسبت به اینها بداخلاقی می‌کنند که ما حوصله این کارها را نداریم! ما زن گرفته‌ایم که زندگی کنیم. نمی‌گذارند این دختر به کار خیر برسد. به عکس بعضی از مردها می‌خواهند صدقات جاریه بدهند، می‌خواهند شرکت در مسائل گوناگون داشته باشند دختر مانع می‌شود. ۱۳۷۵/۸/۵

شرط مهمّ فعالیت اجتماعی خانمها

بعضیها از ما می‌پرسند: شما موافقید زنها بروند کار کنند؟ ما می‌گوییم: البته، ما با بیکاری خانمها مخالفیم؛ زن اصلاً باید کار کند. البته کار دو جور است: یکی کار داخل خانه و یکی کار بیرون خانه، هر دو کار است؛ اگر کسی استعداد دارد



در کارهای مربوط به بیرون منزل، باید انجام بدهد، خیلی هم خوب است. منتها یک شرط دارد، باید جوری باشد که این اشتغال - حتی در داخل خانه - به پیوند زن و شوهر لطمه‌ای نزند. بعضی از خانمها هستند که خودشان را از صبح تا شب می‌کشند بعد که مرد به خانه می‌آید، حوصله یک لبخند زدن به او را هم ندارد. این هم بد است. کار خانه را باید کرد اما نه آنقدری که این کار خانه به انهدام خانواده منتهی بشود. ۱۳۷۲/۱۱/۱۲

زن اگر خواست برود کار کند، این اشکالی ندارد، اسلام هم مانع نیست. اما این وظیفه‌ی او نیست. این بر او واجب و لازم نیست. چیزی که بر او واجب است، عبارتست از حفظ فضای حیاتی برای مجموع این خانواده. ۱۳۸۱/۳/۸

تشویق یکدیگر در میدان مسابقه‌ی خیرات

در همه‌ی احوال و اوضاع رعایت همدیگر را بکنید، به هم کمک کنید، عون و بازوی همدیگر باشید، بخصوص در راه خدا و در راه انجام وظیفه. چه پسر در راه خداست، دختر به او کمک کند. چه دختر در راه انجام وظیفه و در راه خداست، پسر به او کمک کند. هر کدام مجاهدت می‌کنند، آن دیگری به او کمک کند. ۱۳۷۴/۵/۱۱

اگر پسر در کار علم و در تلاش و مجاهدت در ارگانه‌های جمهوری اسلامی است، آن خانم با او همکاری کند که بتواند کارش را راحت انجام بدهد. مردها و پسرها به زندهایشان فرصت بدهند تا زنها هم بتوانند در این میدانهای مسابقه‌ی معنویت وارد شوند. اگر می‌خواهند تحصیل علم کنند، بتوانند. اگر هم می‌خواهند در کارهای اجتماعی وارد شوند، بتوانند. ۱۳۷۲/۱/۵

زن و شوهر کوشش کنند یکدیگر را به راه خدا هدایت کنند. یکدیگر را در راه مستقیم نگه دارند و حفظ کنند. این «تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ» [۱] را که خاصیت مسلمانی است و مهمترین خصوصیت ایمان است، مدّ نظر داشته باشند. ۱۳۷۴/۵/۸

هر دو به یکدیگر نسبت به دیندار بودنشان و رعایت تقوی کمک کنند. یعنی مرد کمک کند که زنش بتواند دیندار باشد و رعایت تقوی را بکند. زن هم کمک کند که مرد بتواند دیندار باشد و بتواند پاکدامن بماند و بتواند با تقوی حرکت کند. ۱۳۷۸/۱/۲ منظور از کمک فقط شستن ظرف و ... نیست، البته اینها هم کمک است ولی منظور بیشتر کمک روحی است. کمک معنوی و فکری است. در راه اسلام یکدیگر را ثابت قدم بدارند، همدیگر را توصیه به تقوی و صبر و توصیه به دینداری، توصیه به عفاف، توصیه به قناعت، توصیه به ساده زیستی و ... کنند. با هم همکاری کنند تا بتوانند ان شاء الله به بهترین وجهی بگذرانند. ۱۳۷۷/۱۲/۱۳

غمخواری، کمک واقعی

کمک واقعی به دیگری، این است که دو نفر غمها را از دل هم برطرف کنند. هر کسی در دوره‌ی زندگیش گرفتاری پیدا می‌کند، غمی پیدا می‌کند، ابهامی پیدا می‌کند، تردیدی پیدا می‌کند. هر کدام از دو نفر، در چنین موقعیتی باید به کمک همسرش بشتابد و به او کمک کند. غم را از دل او بردارد، او را راهنمایی کند. اشتباه او را برطرف کند. اگر می‌بیند خطایی دارد از او سر می‌زند جلوی او را بگیرد. ۱۳۷۸/۹/۲

اهمیت فراوان مدیریت کدبانو

وظایف داخل خانه‌ی زنان، نه اهمیتش کمتر از وظایف بیرونی است و نه اینکه زحمتش کمتر است. شاید زحمتش بیشتر هم باشد. او هم برای اینکه این محیط را اداره کند، به تلاش و کوشش احتیاج دارد. چون مدیر داخل خانه زنان هستند. آن کسی که اداره می‌کند، کدبانو، یعنی آن کسی که محیط خانواده تحت اشراف اوست. تحت نظارت و تدبیر و مدیریت اوست. خیلی کار پر زحمتی است. خیلی کار ظریفی است. فقط هم ظرافتِ زنانه از عهده‌ی انجام این کار بر می‌آید. هیچ مردی امکان ندارد بتواند این ظرافتها را رعایت کند. ۱۳۸۱/۶/۶



زن توی خانه بیکار نیست. یک عده‌ای خیال می‌کنند زن در خانه بیکار است. خیر، زن توی خانه، بیشترین و سخت‌ترین و ظریف‌ترین کارها را انجام می‌دهد.

۱۳۷۶/۱۲/۱۸

برخی فکر می‌کنند اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کارِ خانه، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست. بلکه مهم‌ترین کار برای زن این است که زندگی

را سرپا نگهدارد. ۱۳۸۱/۳/۸

بچه‌داری، هنر بزرگ

بعضی از کارهای خانه خیلی سخت است. بچه‌داری از آن کارهای سخت است. شما هر کاری را در نظر بگیرید که خیلی دشوار باشد، در مقابلِ بچه‌داری در واقع آسان است. بچه‌داری هنرِ خیلی بزرگی است. مردها یک روز هم نمی‌توانند این کار را انجام دهند. زنها با دقت، با حوصله و با ظرافت این کارِ بزرگ را انجام می‌دهند. خدای متعال، در غریزه‌ی آنها این توان را قرار داده است. ولی همین بچه‌داری کار سختی است که انسان را فرسوده می‌کند و واقعاً از پا می‌اندازد.

۱۳۷۴/۸/۲۲

جمع‌بین کار و زندگی

جوانانی که مشغول کاری در راه خدا هستند، با گرفتن همسر، با ازدواج، نباید کارشان را متوقف کنند. ۱۳۷۱/۹/۱۹

ما به مردها همیشه سفارش می‌کنیم وقتی کار دارند، اشتغال دارند، از خانه و زندگی قهر نکنند. بعضی‌ها صبح اول وقت می‌روند بیرون تا ساعت ۱۰ شب.

نه! ما معمولاً به کسانی که برایشان ممکن است سفارش می‌کنیم حتی ظهرها را بروند با زن و بچه‌شان باشند. در محیطِ خانوادگی، غذایشان را بخورند، یک ساعتی با هم باشند، بعد بیایند دنبال کارشان، باز حتماً در زمان مناسب، اول شب بروند بچه‌ها را ببینند، ملاقات خانوادگیِ حقیقی داشته باشند. ۱۳۷۶/۶/۱۸

زن قوی تر از مرد است!

این آقایان که می بینید ماشاء الله یال و کوپالی دارند، اینها همه اش ظاهر است، جسم قوی است، اما از لحاظ پیچیدگی ذهنی و در زمینه های احساسی و عاطفی، زن قوی تر از مرد است، قدرت تحملش زیاد است، راهها را بلد است ... طبیعت زن این است. اغلب زنها، البته ممکن است بعضی از زنها هم این طور نباشند؛ غرض اینکه خانمها بهتر می توانند در این مصافِ دوستانه بر عواملِ سردی، فایق بیایند. با یک مقدار خوش اخلاقی کردن، با ابرازهایی که هست این کار بکنند. مرد را بکشاند به آن جایی که باید قرار بگیرد، تا آن شاء الله زندگی شیرین تر شود.

۱۳۷۸/۱/۲۴

به حضرت زهرا سلام الله علیها بنگرید

این وضع زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها است از لحاظ سادگی مراسم ازدواج و بعد هم زندگی آن بزرگوار، آن زندگی فقیرانه و زاهدانه، آن اتاق آن چنانی، آن فرشی که لابد همه شما شنیده اید. کار توی خانه، در مقابل تلاشهای فراوان و صبر بر شوهری مثل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که در تمام مدت زندگیشان، حضرت مشغول کار و فعالیت بودند. یعنی هر چه جنگ بود، علی بن ابیطالب علیه السلام جلوتر از همه بود. هر چه کار مهم بود اول از همه علی بن ابیطالب علیه السلام جلودار بود. حدود ۱۰ سال هم با یکدیگر زندگی کردند. توجه می کنید؟ در ظرف این ۱۰ سال شما ببینید که این شوهر جوان چقدر توانسته به زن و بچه اش، به معنای بشری و معمولی برسد؟ بر یک چنین زندگی، صبر کردن، بر آن فقر و سختی صبر کردن، آن جهاد بزرگ را انجام دادن و آنچنان فرزندان تربیت کردن و آن فداکاریهای عظیمی که حضرت زهرا سلام الله علیها انجام دادند و شما هم مقداری از آنها را شنیده اید، همگی الگوست.

حالا، دختران ما باید فاطمه زهرا سلام الله علیها را الگو قرار دهند، پسرهای ما هم باید حضرت زهرا سلام الله علیها و امیر المؤمنین علیه السلام را الگو قرار دهند. ۱۳۷۶/۹/۲۴



رهنمود چهارم: سازش و سازگاری

امام-ره. فرمودند: بروید با هم بسازید

من یک وقت خدمت امام رفتم. ایشان می‌خواستند خطبه‌ی عقدی را بخوانند، تا من را دیدند گفتند: شما بیا طرف عقد بشو! ایشان بر خلاف ما که طول و تفصیل می‌دهیم و حرف می‌زنیم، عقد را اول می‌خواندند، بعد دو سه جمله‌ای کوتاه صحبت می‌کردند. من دیدم ایشان پس از اینکه عقد را خواندند، رویشان را به دختر و پسر کردند و گفتند:

«بروید با هم بسازید.»

من فکر کردم دیدم که ما این همه حرف می‌زنیم، اما کلام امام-ره. در همین یک جمله بروید و با هم بسازید خلاصه می‌شود! ۱۳۷۰/۴/۲۰

سازگاری یعنی چه؟

سعی شما این باشد که در تمام دوران زندگی، به خصوص سالهای اول، این چهار پنج سال اول، با هم سازگاری داشته باشید. این طور نباشد که یکی اندکی ناسازگاری نشان داد، آن دیگری هم حتماً در مقابل او ناسازگاری نشان بدهد. نه! هر دو با هم سازگاری نشان بدهید و اگر دیدید همسرتان ناسازگاری کرد، شما سازگاری نشان دهید. این از آن جاهایی است که سازش و کوتاه آمدن خوب است. ۱۳۷۶/۴/۳۱

معنای سازگاری چیست؟ معنایش این است که زن ببیند این مرد، درست ایده‌آل اوست تا با او سازگار باشد؟ یا مرد ببیند که این زن، کاملاً ایده‌آل اوست و همان فرد مطلوب عالی است، تا با او سازگاری داشته باشد؟ اگر یک ذره این گوشه یا آن گوشه‌اش کج بود، قبول نیست. معنای سازگاری این است؟ نه! اگر سازگاری این باشد که این خودش به طور طبیعی انجام می‌گیرد و اراده‌ی شما را نمی‌خواهد. اینکه می‌گویند شما سازگار باشید، یعنی شما با هر وضعیتی که هست و پیش آمده بسازید. معنای سازگاری این است. یعنی چیزهایی در زندگی پیش می‌آید. خب دو نفرند با هم تا حالا آشنایی نداشتند، زندگی نکردند، ممکن است فرهنگشان دو تا باشد. ممکن است عاداتشان دو تا باشد. اول ممکن است یک ناسازگاری‌هایی ببینند، حالا اول از دواج که نه آدم هیچ متوجه نیست. بعد از یک خرده که گذشت، ممکن است یک ناسازگاری‌هایی حس کند، آیا باید این جا از هم سرد شوند و بگویند: این مرد یا این زن دیگر به درد من نمی‌خورد؟! نه! شما باید خودتان را با این مسأله تطبیق دهید. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید و اگر دیدید نه، کاری‌اش نمی‌شود کرد، خب با او بسازید. ۱۳۷۹/۱/۱۶

سازش کاری در محیط خانواده جزء واجبات است. نایستی زن و شوهر تصمیم بگیرند که خودشان هر چه گفتند همان شود. آنچه خودشان می‌پسندند و آنچه راحتی آنها را تأمین می‌کند همان بشود. نه، این طور نباید باشد. باید بنا داشته باشند که باهم سازگاری کنند. این سازگاری لازم است. اگر دیدید مقصود شما تأمین نمی‌شود مگر با کوتاه آمدن، کوتاه بیايید. ۱۳۷۸/۴/۹

سازگاری در زندگی، اساس بقای زندگی است و همین است که محبت می‌آفریند. همین است که موجب برکات الهی می‌شود. همین است که دلها را به هم نزدیک کرده و پیوندها را مستحکم می‌کند. ۱۳۷۷/۱۱/۱۹



یک تعبیر خوب اروپایی

اصل مسأله‌ی ازدواج، عبارتست از تفاهم و انس و اتحادِ دو موجود در زندگی با یکدیگر که این البته در اصل یک امر طبیعی است. لکن اسلام با پیرایه‌ها و تشریفات و آئینهایی که قرار داده و با احکامی که گذاشته برای ازدواج، یک استمرار و برکتی به آن داده است.

زن و شوهر باید یکدیگر را درک کنند و بفهمند. این یک تعبیر اروپایی است ولی تعبیر خوبی است ... یعنی هر کسی درد و خواسته‌های طرف مقابل را بفهمد و با او راه بیاید، به این می‌گویند درک کردن. یعنی به قول معروف در زندگی تفاهم و درک متقابل باشد. اینها محبت را زیاد می‌کند. ۱۳۷۱/۶/۳۱

هیچ انسانی بی‌عیب نیست!

اگر دیدید که همسران یک نقطه عیبی دارد - هیچ انسانی بی‌عیب نیست - و مجبورید او را تحمل کنید، تحمل کنید، که او هم همزمان، دارد یک عیبی را از شما تحمل می‌کند. آدم عیب خودش را که نمی‌فهمد، عیب دیگری را می‌فهمد. پس بنا بگذارید بر تحمل.

اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید. اگر دیدید کاری نمی‌شود کرد، با او بسازید. ۱۳۷۸/۴/۹

علت متلاشی شدن بنیان خانواده

اسلام در داخل خانواده ترتیبی داده که اختلاف درون خانواده به خودی خود حل شود. به مرد دستور داده که یک ملاحظاتی بکند. به زن هم دستور داده که یک ملاحظاتی بکند. مجموع این ملاحظات اگر انجام بگیرد، هیچ خانواده‌ای قاعدتاً متلاشی نخواهد شد و از بین نخواهد رفت. غالباً متلاشی شدن خانواده‌ها به خاطر این بی‌ملاحظگی هاست. مرد بلد نیست که رعایت کند؛ زن، بلد نیست که عقل به خرج بدهد، او تندی و خشونت بی‌حد می‌کند، این بی‌تحملی به خرج می‌دهد،

همه‌اش ایراد دارد، خشونت او هم ایراد دارد، سرکشیِ این هم ایراد دارد. اگر او خشونت نکند، اگر یک وقتی اشتباه کرد، این سرکشی نکند، ملاحظه کنند، با همدیگر بسازند، هیچ خانواده‌ای تا آخر متلاشی نخواهد شد و خانواده باقی می‌ماند. ۱۳۷۵/۱۱/۲۰

سازگاری دو طرفه

در قدیم بیشتر می‌گفتند دختر باید سازگار باشد. برای پسر کأنه وظیفه سازگاری را قائل نبودند. نه! اسلام این را نمی‌گوید. اسلام می‌گوید که دختر و پسر هر دو باید سازگار باشند، هر دو باید بسازند. باید بنا را بر این بگذارند که زندگی خانوادگی را سالم و کامل و آرام و همراه با محبت و عشق متقابل اداره کنند و این را ادامه بدهند و حفظ کنند. اگر چنانچه ان شاء الله این فراهم شد، که فراهم کردنش هم با تربیت‌های اسلامی مشکل نیست، این خانواده همان خانواده‌ی سالمی خواهد بود که اسلام معتقد به اوست. ۱۳۷۴/۵/۱۱

رهنمود پنجم: زندگی شیرین

شکر عملی مهم است

شُکر، فقط گفتن «الهی شکر» و سجده کردن نیست. شُکر نعمت این است که انسان نعمت را بشناسد. بداند که این نعمت را خدا به او داده و استفاده‌ی از آن نعمت و رفتار با آن نعمت را که خدا می‌پسندد، انجام دهد. این معنای شکر نعمت است.

اگر چنانچه «شکراً لله» بگویید اما دلتان با مفاهیمی که گفتم آشنا نباشد، این شکر نیست... از دواج هم یک نعمت خدادادی است. خدای متعال این همسر خوب را برای شما فراهم کرده است، پس باید به شایستگی شُکر این نعمت را بجا آورید. ۱۳۷۹/۱/۱۶

اسرار زندگی را محکم نگه دارید

زن و شوهر باید راز هم را حفظ کنند، زن نباید راز شوهر را پیش کسی باز گو کند. مرد هم مثلاً نرود پیش رفقاییش در باشگاه یا مثلاً فلان مهمانی و... راز همسرش را باز گو کند، حواستان جمع باشد، اسرار هم را محکم نگه دارید تا زندگی ان شاء الله شیرین و مستحکم شود. ۱۳۷۸/۱/۲۴

غمخوار هم باشید

کمک واقعی این است که دو نفر غمها را از دل هم بر طرف کنند. هر کسی در دوره‌ی زندگیش، گرفتاری و مشکل و غمی پیدامی‌کند و ممکن است دچار ایهام و تردید بشود. آن دیگری در چنین موقعیتی، باید به کمک همسرش بشتابد و به او کمک کند. غم را از دل او بردارد. او را راهنمایی کند و اشتباه و خطای او را بر طرف نماید. ۱۳۷۸/۹/۲

ساده زیستی و میانه روی

زندگی را ساده بردارید، البته ما خیلی هم اهل زهد و تقوا نیستیم. خیال نکنید. آن سادگی که ما می‌گوییم، آن سادگی زُهاد و عُباد و اینها نیست. سادگی به نسبت این کارهایی است که مردم امروز می‌کنند. و الا نه، سادگی ما را اگر چنانچه آن مردان خدا بیایند نگاه کنند شاید هزار تا ایراد هم به آنچه که ما سادگی می‌دانیم بگیرند. ۱۳۷۴/۵/۱۱

زندگیتان را بر پایه‌ی اسراف قرار ندهید، زندگی را ساده قرار دهید. زندگی را آن طوری که خدای متعال می‌پسندد قرار دهید و از طِیِّبات الهی بهره‌مند شوید بر حسب اعتدال و عدالت. هم اعتدال و میانه‌روی و هم عدالت. یعنی ملاحظه‌ی انصاف را بکنید، ببینید دیگران چطور می‌اند. خیلی بین خودتان و دیگران فاصله درست نکنید. ۱۳۷۲/۳/۸

یکی از موجبات سعادت خانواده‌ها و اشخاص، این است که تقیّدات زاید و تجملات زیادی و پرداختن بیش از اندازه‌ی لازم به امور مادی، از زندگیا دور شود. لاقلاً بخش اصلی زندگی محسوب نشود. یک چیز حاشیه‌ای، یک کنار باشد. زندگی را از اوّل باید ساده برداشت و محیط زندگی را باید محیط قابل تحمّل کرد. ۱۳۷۲/۳/۸

ساده زندگی کردن منافاتی با رفاه هم ندارد. آسایش هم که اصلاً در سایه ساده زندگی کردن است. ۱۳۷۷/۴/۱۸

مسابقه‌ی بدون برنده

اسیر تجملات و تشریفات و چشم و هم چشمی نشوید. خودتان را در دام مسابقه‌ی مادی در امر زندگی نیندازید. هیچ کس در این مسابقه، خوشبخت و کامیاب نمی‌شود. این ظواهرِ زرق و برق‌دارِ زندگی شخصی، اینها هیچ کدام انسان را نه خوشبخت می‌کند، نه دلشاد و راضی می‌کند. اصلاً انسان هر چه گیرش می‌آید، باز چیز بیشتری را می‌خواهد. در حسرت یک چیز بهتری است. در شرع مقدس هست - العفاف و الکفاف. به همان زندگی که بشود گذراند و انسان محتاج کسی نباشد و در عسرت نباشد. این جور پیش ببرید. ۱۳۷۷/۷/۲۰

زندگی تشریفاتی، زندگی تجملاتی، زندگی اشراف‌منشی، زندگی پُرخرج و زندگی مصرفی، انسانها را بدبخت می‌کند. این خوب نیست. زندگی باید کفاف و راحت بگذرد نه پُرخرج و مُسرفانه. این دو تا را بعضیها چرا با هم اشتباه می‌کنند؟ با کفاف یعنی محتاج کسی نباشد و بتوانند زندگیشان را اداره کنند، بدون احتیاج به هیچ کس. دلخوشی هم باید داشته باشند و الاّ زندگی با درآمد زیاد و مخارج زیاد و تشریفات که خوب نیست. اینها اصلاً راحتی نمی‌آورد، دلخوشی نمی‌آورد. ۱۳۷۸/۱/۲

اول زندگی را ساده بردارید، هر چه می‌توانید در این جهت سعی کنید. البته، اعتقاد نداریم که افراد بایستی بر عیال خودشان، بر نزدیکان خودشان سخت گیریهایی تنگ نظرانه بکنند. این عقیده را نداریم، اما عقیده داریم که همه از روی عقیده و ایمان و عشق و دل خودشان به یک حدی قانع باشند. ۱۳۷۷/۹/۱۲

زندگی را ساده بگیرید، خودتان را اسیر تشریفات نکنید. اگر از اول وارد مسابقه تشریفات شدید، دیگر رها شدن از آن سخت است. حالا هم جمهوری اسلامی است. اگر کسی بخواهد ساده زندگی کند می‌تواند. یک روزی بود که نمی‌شد، سخت بود. اگر چه بعضی به دست خودشان مشکل می‌کنند. در لباسشان، در مسکنشان، در تجملاتشان، همه را بر خودشان سخت می‌کنند. ۱۳۷۷/۱۰/۱۳

قناعت برای همه مفید است

به شما عرض می‌کنم: ما شما را دعوت نمی‌کنیم به زهد سلمان و ابوذر. بین امثال من و شما با سلمان و ابوذر فاصله خیلی زیادی است. ما هرگز - نه من و نه شما - طاقت آن چیزها را و آن علو و عروج و آن والایی را نداریم که بخواهیم خودمان را به آن چیزها برسانیم. یا مثلاً فرض کنید که آرزوی آن را حتی در دلمان بیاوریم. اما من این را عرض می‌کنم که اگر بین ما و آنها، زندگی ما و زندگی آنها، هزار درجه فاصله است، می‌شود این هزار درجه را، ده درجه، بیست درجه، صد درجه کم کرد. خودمان را به زندگی آنها نزدیک کنیم. ۱۳۷۹/۱۱/۱۷

قناعت کنید، از قناعت خجالت نکشید. بعضیها خیال می‌کنند که قناعت مال آدمهای تهیدست و فقیر است و اگر آدم داشت، دیگر لازم نیست قناعت کند. نه، قناعت یعنی در حد لازم، در حد کفایت، انسان توقف کند. ۱۳۷۶/۱/۱

توقعات مادی زیاد و بالا، موجب تنگی معیشت و موجب ناراحتی خود انسان می‌شود، اگر انسان توقع خودش را از زندگی توقع کمی قرار دهد، این مایه‌ی سعادت خواهد بود. نه فقط برای آخرت انسان خوب است، که برای دنیای انسان هم خوب است. ۱۳۷۹/۱۲/۲۱

سعیتان را بگذارید بر زندگی ساده و به دور از اشرافی‌گری، بر زندگی‌ای که منطبق باشد بر زندگی متوسط مردم. نمی‌گوییم پایین‌ترین مردم، متوسط مردم، نگاه نکنید به مسابقه مادی‌گری. مسابقه هست. چنانچه در راه بهشت خدا مسابقه هست، در راه بهشت خیالی دنیا هم مسابقه هست. برای تجملاتش، برای مقام و قدرتش، برای اسم در آوردن و معروف شدنش، مسابقه هست. این مسابقه، مسابقه ناسالمی است... هر کدام که بخواهید به این مسابقه وارد شوید آن دیگری مانع شود و به عنوان یک ناصح با شما عمل کند. ۱۳۷۵/۶/۳

در همه‌ی مراحل بایستی میانه روی و قناعت و گرایش به روش متواضعانه و فقیرانه را فراموش نکرد که این نظر اسلام است. ۱۳۸۰/۹/۲۲



از مراسم عروسی آغاز کنید

در همه‌ی امورِ زندگیتان سادگی را رعایت کنید. اولش هم از همین مراسم ازدواج است، از این جاشروع می‌شود. اگر ساده برگزار کردید، قدم بعدی‌اش هم می‌شود ساده و الا شما که رفتید آن مجلس کذایی مثل اعیان و اشراف‌های زمان طاغوت را درست کردید، بعد دیگر نمی‌توانید بروید توی خانه‌ی کوچکی مثلاً با وسایل مختصری زندگی کنید. این جور نمی‌شود دیگر. چون خراب شده و از دست رفته است. از اول، زندگی را پایه‌اش را بر اساس سادگی و ساده زیستی بگذارید تا زندگی بر خودتان، بر کسانتان و بر مردم جامعه‌ان شاء الله آسان شود. ۱۳۷۴/۶/۱۳

حال پدر و مادر را رعایت کنید

متأسفانه این پرداختن به تشریفات ازدواج و مهریه‌های گران و جهیزیه‌های سنگین و مجالس آنچنانی خیلی اخلاق‌ها را فاسد کرده است! شما دخترها و پسرها که عروس و داماد می‌شوید، پیشقدم شوید. بگویید ما این جوری نمی‌خواهیم، به این زیادی نمی‌خواهیم. وقتی جامعه مشکل دارد وقتی در جامعه فقیر هست باید انسان ملاحظه کند. ۱۳۷۲/۹/۱۴

ما به دخترها و پسرها سفارش می‌کنیم اصرار نکنید. زیاده نخواهید. پدر و مادرها را زیر فشار قرار ندهید تا در رو در بایستی بمانند... این چیزها را بریزید دور. اصل، یک حادثه انسانی است. آن چیست؟ زناشویی، انسانی‌ترین کارهای دنیاست. این را مادی و پولی نکنید، آلوده‌اش نکنید. ۱۳۷۲/۱۱/۸

اگر دختر و پسر اهل قناعت و ساده زیستی باشند، بزرگترها هم مجبور می‌شوند از آنها تبعیت کنند. ۱۳۷۴/۹/۲۸

حجاب و عفاف

اسلام که راجع به حجاب حرف می‌زند، آیات قرآن که راجع به حجاب حرف می‌زند، راجع به حدود زن و مرد با یکدیگر دستور دارد، این به خاطر خود مردم است،

به خاطر همین خانواده‌هاست. همین دخترهای جوان که شوهرشان را می‌خواهند از دست ندهند، این پسرهای جوان که زن محبوبشان را می‌خواهند از دست ندهند، این، بدون حجاب و بدون رعایت نمی‌شود، آیات قرآن این طور حکمت آمیز و عمیق است. ۱۳۷۵/۵/۱۱

این محرم و نامحرمها، این حجاب و حفظ زن، این «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهن... و قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن»، چشمهائیتان را به هر منظره‌ای باز نکنید، به هر چیزی نگاه نکنید تا به هر طرفی کشانده نشوید این برای چیست؟ این برای این است که این زن و شوهر به هم مهربان و وفادار بمانند. آن مردی و آن زنی که در جوامع فاسد دنیا به هر جا رسیدند، به هر گذرگاهی که رفتند، هر طور دلشان خواست سوء استفاده کردند و اختلاط پیدا شد، دیگر برای آنها محیط خانوادگی چقدر اهمیت پیدا خواهد کرد؟ هیچ. اسمش را هم گذاشته‌اند آزادی که اگر این آزادی باشد، بزرگترین بلیه‌های بشر محسوب می‌شود. آن مردی که هر طور دلش بخواهد به هر طرف متمایل باشد به طرف زنها، عنانی ندارد، حفاظی ندارد و آن زنی که با حیا و عفاف و حجاب انسانی آراسته نیست، حفاظی ندارد، چنین زن و مردی برای زن خودشان، برپا شوهر خودشان احترامی و اهمیتی قائل نیستند. در اسلام، یک زن و مرد در مقابل هم مسئول هستند و به هم علاقه‌مندند. به هم محتاج و وابسته‌اند. یک سلسله‌ی عظیم و طولانی که از احکام ناشی می‌شود از چیست؟ از اینکه می‌خواهند خانواده محکم بماند و این زن و شوهر به هم خیانت نکنند و با هم باشند. ۱۳۷۷/۹/۱۲



رهنمود ششم: هشدارها و یادآوری‌ها

حسادت و غیرت یکدیگر را تحریک نکنید!

من همیشه به مردهای جوان توصیه می‌کنم، که شما در معاشرت با نامحرم و حتی محارم کاری نکنید و حرفی نزنید که زنان خود را وادار به حسادت کنید. به دختران جوان هم سفارش می‌کنم، که در برخورد با مردهای بیگانه، کاری نکنید و حرفی نزنید که حسّ حسادت و غیرت شوهرانشان را تحریک نمایند. این حسادتها بدبینی می‌آورد و پایه‌های محبت را سُست می‌کند و از ریشه می‌سوزاند. ۱۳۷۹/۹/۱۰

تحقیر همسر، آغازِ فروپاشی خانواده

ظلم، تبعیض و اهانت، در هر حالی غلط است. اگر شما عالی‌ترین مرد دنیا باشید و زن شما مثلاً از لحاظ سواد و معلومات و ... یک خانم کم‌سوادی باشد، یا از یک خانواده‌ی پایینی باشد، شما حق کمترین ظلم و اهانتی را به او ندارید، زن همان زن است تا ابد. حق کمترین اهانتی را به او ندارید. این البته فقط مخصوص ما نیست. این اروپایی‌های اُدکلن زده‌ی اتو کشیده، گاهی خیلی بدتر از جوامع ما به این موجودات ظلم می‌کنند. مرد حق ندارد -ولو بالاتر از زن باشد- به زنش جفا کند. زن هم همینطور. گاهی زن، یک خانم باسواد تحصیل کرده است که مثلاً حالا با یک مردِ کارگری ازدواج کرده است. او هم حق ندارد مرد را تحقیر کند. مرد،

باز هم برای او نقطه‌ی اتکایی است. باید به او تکیه کند. باید او را از لحاظ روحی چنان حفظ کند که بشود به او تکیه کرد. این، خانواده‌ی سالم است. اگر خانواده را این طوری تشکیل دادید، بدانید که یک رکن اساسی سعادتِ خودتان را تأمین کرده‌اید. ۱۳۷۸/۱۲/۲۲

ایده‌آل خواهی افراطی

دخترها و پسرها به دنبال ایده‌آل نباشند. در امر ازدواج، هیچ کس ایده‌آل نیست. انسان نمی‌تواند ایده‌آل خود را پیدا کند. باید بسازند و زندگی کنند. خداوند ان شاء الله زندگی را شیرین خواهد کرد و به آنها برکت خواهد داد و ان شاء الله مورد رضای الهی قرار خواهند گرفت. ۱۳۷۶/۹/۶

آدم، اول که نگاه می‌کند، همه‌اش حُسن است. بعد که وارد می‌شود اخلاقیاتی هست، نقایص و کمبودهایی هست، ضعفهایی وجود دارد که به تدریج در یکدیگر کشف می‌کنند. اینها نباید موجب سردی بشود. باید با این کمبودها ساخت، چون بالاخره مردِ ایده‌آل بی‌عیب و زنِ ایده‌آل بی‌عیب در هیچ کجای عالم پیدا نمی‌شود. ۱۳۷۸/۱/۲۴

معاشرتهای غیر شرعی

آن آقای که با زنان نامحرم سروکار دارد، دو جا برای او امکان اشباع غرایزش در سطوح مختلف وجود دارد، این دیگر به زن خودش آن جور پای بند نیست. مثل مردی که هیچ زنی نگاه نمی‌کند نیست... اینکه می‌گویند زن باید خودش را در محیطهای اجتماعی با نامحرم مخلوط نکند، برای این است که این زن، دلبستگی‌اش به مرد خودش باشد و الا اگر زن کارش به جایی رسید که مرد خودش برایش عادی شد، مثل وضعیتی که الآن در جوامع غربی می‌بینید که اصلاً این مرد برای زن اهمیتی ندارد، می‌گوید حالا شد، شد، نشد هم نشد. می‌گوید طلاق می‌گیریم، تمام می‌کنیم تو برو دنبال کارت، من هم می‌روم دنبال کارم.



این بد است. بعضی از خانمها امروز تلاش می‌کنند که وضع زنان را این جوری کنند. این به ضرر زن‌هاست به نفع زن‌ها نیست؛ چون این، بنیان خانواده را متلاشی می‌کند. ۱۳۷۷/۱/۱۹

حریم داری و عفاف، سپهر خانواده

مسئله محرم و نامحرم و حجاب و نگاه کردن و نگاه نکردن و معاشرتهای ناسالم و مضرت، این چیزهایی که در اسلام این قدر تأکید شده و در بعضی از کشورها و جاهایی که از اسلام دورند، اینها رعایت نمی‌شود، اینها اگر چه یک محدودیتی برای زن و مرد به وجود می‌آورد، اما اینها را شارع مقدس برای حفظ خانواده، برای ماندگار شدن این بنای مهم تحکیم و تشریع کرده است که اگر در همین چیزها هر انسانی تدبیر کند و تأمل بکند، حکمتهای بسیار بزرگی را خواهد دید.

۱۳۷۷/۱۲/۱۱

اینکه شما می‌بینید در اسلام محرم و نامحرم و جدایی زن و مرد و اینها مطرح است. اینها مسائل ارتجاعی نیست. اینها جزو دقیق‌ترین مسائل انسانی و بشری است. یکی از مهمترین آن، این است که بنیان خانواده مستحکم می‌ماند. چون زن و شوهر به هم احساس وفاداری می‌کنند، در موضع حسادت قرار نمی‌گیرند، این خیلی مسأله‌ی مهمی است. ۱۳۷۹/۱۰/۱۵

این حجابی که اسلام درست کرده است، این نگاهی که اسلام منع کرده است، این معاشرتی که اسلام ممنوع قرار داده است، برای این است که شما دل‌هایتان و محبت‌هایتان روی یک نقطه متمرکز شود. هم شما خانمها و هم شما آقایان.

۱۳۷۹/۳/۳۰

اینکه شما می‌بینید در اسلام، حجاب و روگیری و عدم معاشرت زن و مرد و این چیزها هست، و یک عده آدم کوتاه بین و کوتاه نظر خیال می‌کنند اینها یک حرفهای قشری است، نه! اینها عمیق است. این، برای این است که خانواده‌ها و دل‌های زوجین، در جای خود بماند، این خانواده مستقر بماند. این برای

اینهاست. محرم است، نامحرم است، نگاه نکن، معاشرت نکن، دست نده، نخند، جلوه‌گری نکن، جلوی دیگران آرایش نکن. این حرفهایی که اسلام می‌زند، دین می‌گوید، فقه به ما می‌گوید، این برای این است که اگر اینها را رعایت کردید، این خانواده‌ی کوچک شما، این کانون کوچکی که حالا به وجود آمده است، مستحکم خواهد ماند و از آن بلا یا فارغ خواهد شد. زن و مرد احساس می‌کنند که سروکارشان با یکدیگر است، با این خانواده است. زن احساس نمی‌کند که خانه برای او یک وسیله‌ی دست و پاگیر است. یا مرد احساس نمی‌کند که خانه و زن برای او یک وسیله‌ی مزاحم است. ۱۳۷۹/۱۲/۱۵

اینکه اسلام آن قدر گفته است که چشمتان را ببندید، به نامحرم نگاه نکنید. به زن یک جور گفته و به مرد یک جور دیگر گفته، برای این است که وقتی چشم به یک طرفی رفت، آن وقت بخشی از سهم آن کسی که همسر شماست، آن طرف خواهد رفت. حالا چه شما مرد باشید و چه زن باشید فرقی نمی‌کند. یک قسمتی می‌رود آن جا. وقتی این جا کم گذاشتی، محبت ضعیف خواهد شد. محبت که ضعیف شد، بنای خانوادگی متزلزل می‌شود. آن وقت آنچه که برای تو لازم است از دست می‌رود و آنی که برایت مضر است به خیال خودت به دست آورده‌ای.

۱۳۷۵/۲/۱۷



رهنمود هفتم: آسان‌گیری

الف- مراسم (تشریفات)

تشریفات ساده‌ی ازدواج اسلامی

شما اگر نگاه کنید به تشریفات ازدواج در میان اقوام مختلف، خواهید دید در اسلام تشریفات ازدواج ساده است. البته جشن و سرور و اینها عیبی ندارد، هر کس هر مقداری که مایل است، اما اینها جزو دین و جزو تشریفات رسمی و دینی ازدواج نیست. هر کس خواست می‌تواند انجام بدهد، هر کس نخواست، نه. اینکه حتماً بایستی بروند در یک معبد زانو بزنند جلوی کسی و چه بکنند، و مراسمی که در جاهای دیگر وجود دارد، در اسلام نیست. در اسلام، یک صیغه‌ای است شرعی که باید خوانده شود. البته در اسلام برای معاملات گوناگون، معاملاتی که اهمیتی کم‌تر از ازدواج است، شاهد می‌گیرند... حالا هم که مقررات ثبت است و درج در محاکم. مراکز ثبت رسمی است و هیچ تشریفات ندارد؛ می‌توانند خیلی راحت و بدون تشریفات این ازدواج را انجام دهند. ۷۹/۶/۲۸

عقد اسلامی یا عقد جاهلی

در ازدواج، شرع مقدس اسلام، قیود جاهلی و شرایط مرسوم بین جهال را برطرف کرد و یک سلسله حرف‌ها و شرایط جدید و سنت‌های تازه‌ای را پایه‌گذاری کرد. اگر ماکاری کنیم که عقد و ازدواج ما از آن چیزهایی که اسلام از آن زایل کرده، دور و پاک باشد و به آن سنت‌هایی که اسلام بنیان‌گذاری کرده است آراسته و مزین باشد، عقد و ازدواج ما

اسلامی خواهد شد و عقد بر اساس رضای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و رهبر عظیم الشان بشریت خواهد شد. اگر خدای ناکرده آن چیزهایی را که اسلام از آله کرد و ریخت بیرون، اینها را مادر عقد از دواج بیاوریم، آن وقت عقد ما، عقد جاهلی خواهد شد. خودمان مسلمانییم، اسممان مسلمان است اما کارمان مکار جاهلیت خواهد شد. یا اگر آن چیزهایی را که اسلام بنا گذاشت در کار از دواج، این را رعایت نکنیم، باز عقد، عقد اسلامی کامل نخواهد بود.

اگر عقد، اسلامی بود، به سبک سنتهای قرآنی و بنیان گذاری شده‌ی به وسیله‌ی اسلام، زندگی شیرین می‌شود وزن و شوهر با هم خوب زندگی می‌کنند. ۷۴/۱/۲۲

آسان بگیرید، خداوند کفایت می‌کند

جوانها وقتی صحبت می‌شود می‌گویند، اگر از دواج کنیم بعدش چه کار کنیم برای خانه، برای شغل؟ اینها همان قیودی است که همیشه جلوی کارهای اصلی و اساسی را می‌گیرد. فرمود: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» یعنی خدای متعال اینها را کفایت خواهد کرد. از دواج بکنید. از دواج در وضع معیشت آنها دشواری خاصی بوجود نمی‌آورد. بلکه به عکس خداوند آنها را از فضلش غنی هم می‌کند. این را خدای متعال فرموده است. بله، ما برای خودمان به قول معروف به جای خَرَج، بَرَج درست می‌کنیم. اضافه‌های زندگی و نیازهای کاذب به وجود می‌آوریم. بله، البته مشکل پیش می‌آید. تقصیر کیست؟ در درجه‌ی اول تقصیر متمکن است. آن کسانی که امکانات دارند، سطوح را بالا می‌برند. بعد هم تقصیر بعضی از مسئولین است، که بالاخره باید بگویند. باید وسایل را فراهم کنند، فراهم نمی‌کنند. نمی‌خواهیم بگوییم که دولتها برای جوانها و برای از دواجشان وظایفی ندارند. اما این باید برای جامعه اسلامی جا بیفتد که از دواج یک ضرورت است، باید انجام بگیرد. باید تحقق پیدا کند. اینکه دخترها بگویند ما هنوز آماده‌ی از دواج نشده‌ایم، پسرها بگویند ما هنوز عقل زندگی نداریم، حرفهای منطقی آن چنانی نیست. در خیلی از مسائل زندگی، مامی بینیم که نه، جوانها آمادگی هم دارند، خیلی هم خوبند. می‌فهمند. منتهی این از دواج یک مسئولیت پذیری هم هست. این حس گریز از مسئولیت، مقداری مانع می‌شود از اینکه این کار انجام شود. ۷۹/۶/۲۸



با شادی و میهمانی موافقیم، با اسراف نه

تجملات برای یک جامعه، مضر و بد است. آن کسانی که با تجملات مخالفت می‌کنند، معنایش این نیست که از لذتها و خوشیهایش بی‌اطلاعند، نه! آن را کاری مضر برای جامعه می‌دانند. مثل یک دارو یا خوراکی مضر. با تجملات زیادی، جامعه زیان می‌کند. البته در حد معقول و متداول ایرادی ندارد. اما وقتی که همین طور مرتب پای رقابت و مسابقه به میان آمد، اصلاً از حد خودش تجاوز می‌کند و به جاهای دیگر می‌رود.

۷۰/۴/۲۰

برخی، اسراف می‌کنند. می‌ریزند و می‌پاشند. در این روزگار که فقرایی در جامعه هستند، کسانی هستند که اولیات زندگی هم درست در اختیارشان نیست، این کارها اسراف است، زیادی است، بی‌خود است. هر کس بکند خلاف است. ۷۲/۶/۱۱

بعضی از مردم با این کاری که می‌شود با آن ثواب برد، گناه می‌برند. با اسرافهایی که می‌کنند، با خلافهایی که انجام می‌دهند، با آمیختن این عمل حسن و حسنه به کارهای حرامی که انجام می‌دهند. حرام همه‌اش هم این نیست که محرم و نامحرم و این چیزها باشد. آنها هم البته حرام است، اما ریخت و پاش زیادی هم حرام است. اسراف حرام است. سوزاندن دل مردمی که ندارند در مواردی واقعاً حرام است. زیاده‌روی کردن، حرام و حلال کردن برای اینکه بتواند جهیزیه‌ی دخترش را فراهم کند، اینها حرام است. ۷۶/۱۱/۹

بنده راضی نیستم از کسانی که با خرجهای سنگین و با اسراف در امر ازدواج، کار را بر دیگران مشکل می‌کنند. البته با جشن و شادی و میهمانی موافقیم ولی با اسراف مخالفیم.

۷۴/۵/۲۴

چقدر دخترها و پسرها که اگر ازدواج هم می‌کنند به خاطر بی‌بندوباری پولدارها، احساس کمبود می‌کنند. احساس غصه می‌کنند. فکر می‌کنند چیزی کم دارند. احساس سرکوفت می‌کنند. ۷۵/۱۰/۵

این هتلهای و سالنهای پرخرج، عروسی را شیرین نمی‌کند

این هتلهای و سالنها و جشنهای پرخرج را رها کنید. ممکن است توی یک سالنی هم کسی جشن بگذارد اما ساده، مانعی ندارد. من نمی‌خواهم بگویم حتماً، چون بعضی خانه‌های

شان جاندار یا امکاناتش را ندارند ولی اسراف نکنید. شادی و میهمانی و دعوت کردن از دوستان و نزدیکان و خویشاوندان و رفقا خوب است اما اسراف بد است. شأن ملت مسلمان ما نیست. ۷۳/۱۰/۲۷

عروسی و عقد و شادی چیز خوبی است. حتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هم برای دختر مکرّمه یخودشان مجلس عروسی گرفتند، شادی کردند و مردم شعر خواندند. زنها دست زدند و خوشی کردند. اما نباید در این مجلس عقد و عروسی و اینها اسراف انجام بگیرد. یکی از اسرافها همین مجالس عقد و عروسی گران قیمت است. در هتلهای، در این سالنهای گران قیمت مجالس درست می‌کنند. مبالغ زیادی شیرینی و میوه و خوراکی حرام می‌شود، از بین می‌رود، روی زمین ریخته می‌شود و ضایع می‌گردد. برای چه؟ برای چشم و هم چشمی؟! برای عقب نماندن از قافله‌ی اسراف؟! ۷۲/۱/۵

اسراف نباید بشود. اسراف اگر شد هم به خودتان ضرر زده‌اید هم به مردم دیگر. هم به جوانها و دخترها و پسرها ضرر زده‌اید و هم خودتان را از چشم پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) انداخته‌اید. از چشم امام زمان (علیه السلام) انداخته‌اید. این اسراف و زیاده‌روی، کار خلاف محسوب می‌شود.

عروسی شیرین، آن عروسی‌ای نیست که توی آن خیلی خرج می‌شود و اسراف زیاد در آن می‌شود. عروسی شیرین، عروسی صمیمانه است. صمیمانه که بود، عروسی شیرین می‌شود. ولو مختصر باشد. یک اتاق دو اتاق توی خانه، قوم و خویش، دوست و آشنا و رفیق دور هم بنشینند، این می‌شود عروسی. این میهمانیهای مفصل و سالنهای آنچنانی یا توی هتلهای، خرجهای زیاد، جنسهای گران برای مهمانی، اینها هیچ مناسب نیست. نمی‌گوییم از دواج را باطل می‌کند، نه! از دواج درست است. اما اینها محیط جامعه و محیط زندگی را تلخ می‌کند. ۷۷/۹/۱۲

مگر سابق که این سالنها نبود، این چیزها نبود، توی دو تا اتاق کوچک جشن می‌گرفتند، مهمانها می‌آمدند شیرینی می‌خوردند، از دواجهایی برکت تر از امروز بود؟ عزّت دخترها مگر کمتر از امروز بود، حالا باید حتماً بروند توی این سالنهای بزرگ. عیبی ندارد، من مخالفتی نمی‌کنم با این سالنها. من با «تشریفات» مخالفم. حالا بعضی می‌روند توی

هتل، از آن کارهای غلط است که لزومی ندارد. ۷۶/۷/۳۰

هر چه مراسم را کمتر و ساده‌تر بگیریم بهتر است. بگذارید آن کسانی که ندارند به ازدواج تشویق شوند و آن کسانی که ندارند مأیوس نشوند. ۷۱/۹/۲۴

اشتباه بعضی از مسئولین

اینکه حالا معلوم شده که توی باشگاه‌های چنین و چنان و توی هتل‌ها مهمانی می‌گیرند، اینها اصلاً مناسب شأن اهل علم نیست؛ مناسب شأن مردمان پرهیزگار و مؤمن نیست. اینها هم مال همان قدیمی‌هاست.

متأسفانه بعضی امروز اشتباه می‌کنند. چون که سابق مسئولین کشور و سردمداران آن طور رفتار می‌کردند، حالا هم که اینها شدند سردمدار، خیال می‌کنند باید از این کارها بکنند. نه آقا، آنها طاغوتی بودند، آنها اهل دنیا بودند. ما روحانی هستیم، آنهایی هم که روحانی نیستند، اهل دین هستند. ما زندگیمان جور دیگر است. رفتارمان جور دیگر است. مَنِشمان جور دیگر است. اخلاقمان جور دیگر است. هدفمان اصلاً با آنها فرق دارد. نباید از آنها تقلید کنیم. ما باید کاری بکنیم که مردم از ما تقلید کنند. ۷۴/۵/۱۱

این، آبرو عزّت نیست

بعضی خیال می‌کنند که تشریفات و توی چنین و چنان رفتن، سالنهای گران گرفتن، خرجهای زیادی کردن، عزّت و شرف و سربلندی دختر و پسر را زیاد می‌کند. نخیر عزّت و شرف و سربلندی دختر و پسر به انسانیت و تقوی و پاکدامنی و بلند نظری آنهاست، نه به این چیزها... ۷۵/۵/۱۱ بدانید! ساده برگزار کردن ازدواج، چه در مهریه، چه در جهیزیه و چه در مجلس عروسی، ننگ نیست که بعضی خیال می‌کنند اگر ماعروسی را برای دخترمان ساده برگزار کنیم دختر ما سرشکسته خواهد شد. نه! سرشکسته نخواهد شد. این اشتباه شماس است. ۷۵/۹/۱۸

ما به آنهایی که ندارند نصیحت می‌کنیم که به عَرَب و عَجَم متوسل نشوند که پول قرض کنند برای اینکه آبرویشان را به قول خودشان بخرند! آبرو چیست! این آبرو است؟ اگر چشم را باز کنیم، این آبرو نیست. بعضیها خودشان را قرض دار می‌کنند، برای اینکه

بتوانند مثلاً آب‌رومند از آب در بیاورند! بیخود و بی‌جهت. ۷۵/۱۰/۵

اهل تجمل حسابشان خیلی سخت است

من به همه‌ی مردم در سراسر کشور توصیه می‌کنم که ازدواجها را آسان کنند. بعضیها ازدواج را مشکل می‌کنند. مهریه‌های گران و جهیزیه‌های سنگین ازدواج را مشکل می‌کند... خانواده‌ی پسرها توقع جهیزیه‌های سنگین بکنند؟ خانواده‌ی دخترها برای چشم هم چشمی دیگران جهیزیه‌ها را و تشریفات را و مجالس عقد و عروسی را رنگین تر بکنند؟ چرا؟ اثر این را می‌دانید چیست؟ اثر این کارها این است که دخترها و پسرها بدون ازدواج در خانه‌هایمانند، کسی جرئت نمی‌کند به ازدواج نزدیک شود. ۷۳/۹/۲

مگر کسانی که با تجمل عروس و داماد می‌شوند خوشبخت‌ترند؟ چه کسی می‌تواند چنین چیزی را ادعال کند؟ این کارها جز اینکه یک عده جوان را، یک عده دختر را حسرت به دل کند و زندگی را بر اینها تلخ نماید، اگر نتوانستند آن جور آنها هم عروسی بگیرند تا ابد حسرت به دل بمانند یا اصلاً نتوانند عروسی بگیرند. چیز دیگری نیست... تا آمدند دخترش را بگیرند، چون دستش خالی است، این دختر بماند توی خانه. این پسر دانشجو یا کارگر یا کاسب ضعیف، همین طور غیر متأهل بماند. ۷۳/۹/۲۳

من گمان می‌کنم آن کسانی که با مجالس و محافل سنگین، کار را بر دیگران مشکل می‌کنن، حسابشان پیش خدا خیلی سخت است. نمی‌شود بگویند که آقا ما پول داریم، می‌خواهیم بکنیم، چون داریم. این از آن حرفهای غلط روزگار است. داریم که دلیل نشد. انسان وقتی «دارد»، کاری بکند که دیگران نتوانند هیچ اقدامی بکنند، این درست است؟ جوانها جرئت نکنند بروند طرف ازدواج. نباید کاری بشود افرادی که نمی‌توانند، افرادی که دلشان نمی‌خواهد، خلاف فکرشان هست، خلاف نیتشان هست، نتوانند ازدواج کنند. ۷۴/۵/۲۴

زحمت بیخودی

اسرافکاری و زیاده‌روی و... این کارها را نکنید، به مصلحت نیست. شارع مقدس هم راضی نیست. شما هم یک زحمت بیخودی به خودت می‌دهی. عوض این همه خرج کردن،

یک دهمش را به یک مستحق‌ی بده، یک عالم ثواب ببر. مگر دیوانه‌اند اینهایی که اینهمه خرج می‌کنند بدون ثواب، بدون اجر، بدون رضای الهی. حتی بدون رضای مردم. مردم همه راضی نمی‌شوند از آدم... خدا را راضی کنید. ۷۴/۲/۱۹

اگر چنانچه در میهمانیها، در نمی‌دانم فلان هتل ریخت و پاش کنید، میوه‌ی نوبر بیاورید و... میهمانی شما سر و صورت و رونقی پیدا می‌کند؟ البته اجر الهی هم هیچ ندارد. این را بدانید هیچ اجر الهی ندارد. اسراف کردن اگر گناه نباشد که گناه است، البته اگر صورتی باشد که گناه ندارد، قطعاً ثواب ندارد. اما صدها دختر و پسر جوان دیگر را از داشتن مهمانی عروسی محروم می‌کنید؛ چون نگاه می‌کنند و می‌خواهند با شما چشم و هم‌چشمی بکنند، نمی‌توانند، کار عقب می‌افتد. ۷۶/۸/۲۲

از خاندان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تقلید کنید

بهترین دخترهای عالم، حضرت زهرا (علیها‌السلام) بود. بهترین پسرهای عالم و بهترین دامادها هم، حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بود. ببینید اینها چگونه از دواج کردند؟ هزاران جوان زیبا و با اصل و نسب و قدرتمند و محبوب به یک تار موی علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) نمی‌ارزند. هزاران دختر زیبا و با اصل و نسب هم به یک تار موی حضرت زهرا (علیها‌السلام) نمی‌ارزند. آنهایی که هم از لحاظ معنوی و الهی آن مقامات را داشتند، هم بزرگان زمان خودشان بودند. ایشان دختر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بود. رئیس جامعه اسلامی، حاکم مطلق، او هم که سردار درجه‌ی یک اسلام بود. ببینید چطوری از دواج کردند؟ چه جور مهریه‌ی کم، چه جور جهیزیه‌ی کم، همه چیز با نام خدا و بایاد او. اینها برای مالگو هستند. همان زمان هم جاهلانی بودند که مهریه‌ی دخترانشان بسیار زیاد بود مثلاً هزار شتر. آیا اینها از دختر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بالاتر بودند؟ از آنها تقلید نکنید. از دختر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تقلید کنید، از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) تقلید کنید. ۷۵/۲/۱۷

لباس عروس کرایه‌ای

بعضیها لباس عروس گران قیمت می‌خرند. نه! چه لزومی دارد. حالا لباس عروس می‌خواهند، بعضیها لباس عروس را می‌روند کرایه می‌کنند. چه مانعی دارد؟ ننگ دارد؟

نه‌اچه‌ننگی؟ چه‌مانعی دارد؟ بعضی‌ها این را ننگ می‌دانند. ننگ این است که انسان یک پول گزافی بدهد، یک چیزی بخرد که یک بار آن را مصرف کند، بعد بیاندزد دور. یک بار مصرف! آنهم با این وضعی که بعضی مردم دارند. ۷۴/۱۰/۴

ب- مهریه، نشان ارادت یا قیمت گذاری؟

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سنتِ مهریه‌ی جاهلی را شکست

خود آن کسی که مشرّع مهر است - که نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) باشد - که از همه کائنات بالاتر است و دخترِ مطهره و عزیزه‌ی او که از همه‌ی زنان عالم از اولین و آخرین بالاتر است و شوهر او که امیر المؤمنین (علیه السلام) باشد که از جمیع خلائق از اولین و آخرین بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) بالاتر است، برای این دو نفر که جوان بودند، زیبا بودند، عنوان داشتند، محترم بودند، اول شخص مدینه بودند، دیدید پیغمبر چقدر مهر قرار داد؟ ۷۱/۹/۲۴

پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد همه اینها را شکست، برای اینکه مانع از دواج می‌شود. اینها مانع از ازدواج دخترها و پسرها می‌شود. گفت این چیزها را رها کنید. ازدواج شروعش آسان است. از لحاظ شرایط مادی، سهل‌ترین است، آنچه که در ازدواج مهم است رعایت‌های بشری و انسانی است. ۷۲/۱۰/۶

خیال نکنید آن وقتها مهریه‌ی زیاد و سنگین با جهیزیه‌ی زیاد سرشان نمی‌شد. چرا آقا! آن وقتها هم بعضی، از این بی‌عقلیها مثل بی‌عقلیهای زمان ما را داشتند که مثلاً یک میلیون مثقال طلا مهریه‌ی دخترشان بکنند. درست مثل همین بی‌عقلیهایی که امروزه بعضیها دارند. این کارهای مبالغه‌آمیز این طوری اصلاً کار جَهال است. اسلام آمد همه‌ی اینها را به هم ریخت. نه اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بلد نبودند بگویند دختر من هزار شتر سرخ موی با فلان شرایط باید مهریه‌اش باشد. چرا می‌شد؛ منتهی اسلام همه را بهم ریخت. ۷۲/۱۱/۱۲

مهریه‌ی سنگین مال دوران جاهلیت است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آن را منسوخ

کرد. پیامبر (صلی الله علیه وآله) از یک خانواده اعیانی است. خانواده‌ی پیغمبر (صلی الله علیه وآله)، تقریباً اعیانی‌ترین خانواده‌ی قریش بودند. خود ایشان هم که رئیس و رهبر این جامعه است. چه اشکالی داشت دختر به آن خوبی که بهترین دختران عالم است و خدای متعال او را «سیده‌التساء العالمین» قرار داد «مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ»، با بهترین پسرهای عالم که مولای متقیان است می‌خواهند ازدواج کنند، مهریه‌ی ایشان زیاد باشد؟ چرا ایشان آمدند و این مهریه‌ی کم را قرار دادند که اسمش «مَهْرُ السَّنَةِ» است. ۷۴/۲/۲۸

من گمان می‌کنم اینکه در جهیزیه‌ی حضرت زهرا (علیها السلام) این قدر سادگی رعایت شد و در مهریه‌ی ایشان و همه‌ی اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) به آن مهر کم، «مَهْرُ السَّنَةِ» مقید بودند، در حالی که همه قبول داشتند که بیش از «مَهْرُ السَّنَةِ» هم جایز است، اما این حد را حفظ کردند. این یک جنبه‌ی نمادین داشت. برای اینکه بین مردم مبنا و پایه‌ای باشد برای عمل به آن، تا دچار این مشکلاتی که بر اثر زیاده رویها پیش می‌آید، نشوند. ۷۷/۴/۱۸

چرا اصرار بر ۱۴ سکه

اینکه می‌بینید ما گفتیم ۱۴ سکه بیشتر را عقد نمی‌کنیم، نه برای این است که چهارده سکه بیشتر اشکالی در ازدواج ایجاد می‌کند. خیر. چهارده هزار سکه هم باشد، ازدواج اشکالی ندارد. فرقی ندارد. برای این است که آن جنبه‌ی معنوی ازدواج، غلبه پیدا کند بر جنبه‌ی مادی. مثل یک تجارت و معامله نباشد. داد و ستد مادی نباشد. اگر تشریفات را کم کردید، جنبه‌ی معنوی تقویت خواهد شد. ۷۲/۱۰/۲۶ مهریه هر چه کمتر باشد، به طبیعت ازدواج نزدیکتر است، چون طبیعت ازدواج معامله که نیست، خرید و فروش که نیست، اجاره دادن که نیست، زندگی دو انسان است. این ارتباطی به مسائل مالی ندارد. ولی شارع مقدس یک مهریه‌ای را معین کرده که باید یک چیزی باشد. اما نباید سنگین باشد. بایستی عادی باشد جوری باشد که همه بتوانند انجام دهند. ۷۴/۵/۱۸ در ازدواج، آنچه که اتفاق می‌افتد، یک حادثه و پیوند انسانی است، نه یک معامله‌ی پولی و مالی، اگر چه یک مالی هم در بین هست در شرع مقدس اسلام، آن مال جنبه‌ی نمادین دارد. جنبه‌ی رمزی دارد. خرید و فروش و بده بستان نیست. ۷۱/۱/۵

مهریه‌ی بالایی احترامی به دختر است

اگر کسی برای دختر خود اهمیت قائل است، با دختری برای خود ارزش قائل است، راهش این نیست که بگوید باید مهریه‌ی ما را زیاد کنید. مهریه هر چقدر کمتر باشد، جنبه انسانی این پیوند بیشتر است. ۷۴/۵/۲۴

هیچ پولی، هیچ ثروتی، معادل یک انسان نمی‌شود، نه هیچ مهریه‌ای می‌تواند قیمت سرانگشت یک زنِ مسلمان باشد و نه هیچ درآمدی برای یک مرد یا زن می‌تواند معادل با شخصیت او باشد. کسانی که مهریه‌های دخترشان بالا می‌برند، اشتباه می‌کنند. این احترام نیست. این بی‌احترامی است. برای اینکه با بالا بردن مهریه، شما جنس این معامله‌ی انسانی را، یعنی یکی از دو جنس معامله‌ی انسانی را - چون هر دو در مقابل هم هستند - تنزل می‌دهید به حدّ یک کالا و یک متاع می‌گویید دختر من آنقدر می‌ارزد. نه آقا! دختر شما اصلاً با پول قابل مقایسه نیست...

این مهریه یک سنت اسلامی و الهی است. برای این نیست که در مقابل این موجود شریف عزیز انسانی، انسان بخواهد یک چیزی بدهد. ۷۷/۸/۱۱

مهرم حلال، جانم خلاص

گاهی اوقات مرد آنچنان است که زن هر چقدر هم مهریه داشته باشد می‌گوید: مهرم حلال، جانم خلاص. مهریه که کسی را خوشبخت نمی‌کند... روش شرعی، انسانها را خوشبخت می‌کند.

محبت هم به این چیزها بستگی ندارد. هر چقدر که پول در این طور مسائل کمتر باشد، عنصر مادی بیرون بشود، عنصر انسانی تقویت می‌شود؛ محبت بیشتر می‌شود. ۷۵/۲/۱۰
بعضی خیال می‌کنند مهریه‌ی سنگین به حفظ پیوند زناشویی کمک می‌کند. این خطاست. اشتباه است. اگر خدای ناکرده این زن و شوهر نااهل باشند، مهریه‌ی سنگین هیچ معجزه‌ای نمی‌تواند بکند. ۷۵/۵/۱۱

بعضی از خانواده‌های طرف عروس می‌گویند که ما مهریه‌ی آنقدر بالا نمی‌خواهیم ولی خانواده‌ی داماد برای پز دادن و تفاخر می‌گویند نه نمی‌شود! چند میلیون یا فلان قدر. خب اینها همه دوری از اسلام است. هیچ کس با مهریه‌ی بالا خوشبخت نشد. اینهایی

که خیال می‌کنند اگر مهریه نباشد از دواج دخترشان متزلزل خواهد شد، اینها اشتباه می‌کنند. از دواج اگر چنانچه با محبت بود، با وضعیت درست بود، بی مهریه هم متزلزل نمی‌شود. ولی اگر چنانچه بر مبنای خباثت و زرنگی و کلاهبرداری و فریب و این چیزها بود، مهریه هر چقدر هم که زیاد باشد، مرد بدجنس زورگو، کاری خواهد کرد که بتواند از زیر بار این مهریه هم فرار کند. ۷۵/۹/۴

بعضی‌ها می‌گویند ما مهریه را سنگین می‌کنیم برای اینکه مانع طلاق بشویم. این خیلی خطای بزرگی است. هیچ مهریه‌ی سنگینی مانع از طلاق نمی‌شود و نشده است. آن چیزی که مانع طلاق می‌شود، اخلاق و رفتار است. رعایت موازین اسلامی است. ۷۳/۹/۲

مهریه‌ی بالا، سدّ راه از دواج جوانان

کسانی که مهریه‌ی بالا برای خانمشان قرار می‌دهند، به جامعه ضرر می‌زنند. خیلی از دخترها توی خانه می‌مانند، خیلی از پسرهای زن می‌مانند، بخاطر اینکه این چیزها وقتی در جامعه رسم شد، سنت و عادت شد، به جای «مهرُ السَّنة»، به جای اینکه مهر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) سنت باشد، وقتی مهر جاهلی سنت شد، اوضاع، اوضاع جاهلی خواهد شد. ۷۷/۸/۱۱

اگر چنانچه در از دواج بحث مادیات عمده شد، این معامله عاطفی و روحی و انسانی تبدیل خواهد شد به معامله‌ی مادی. این معامله‌های گران، این جهیزیه‌های سنگین، این چشم و هم‌چشمی‌ها و این به رخ کشیدن ثروت‌ها و پول‌ها - که برخی از افراد غافل و بی‌خبر می‌کنند - از دواج را در واقع خراب می‌کنند. لذاست که در شرع مقدّس مستحب است مهریه کم گرفته شود که «مهرُ السَّنة» مورد نظر است. ۷۷/۱۲/۱۳

اگر مهریه‌ها سنگین شد، از دواجها مشکل خواهد شد، پسرها و دخترها بی‌خانمان خواهند ماند. هر چه آسان‌تر بگیرید بهتر است. ۷۲/۱۲/۲۲

من از مردم سراسر کشور خواهم می‌کنم که آن قدر مهریه‌ها را زیاد نکنند. این سنت جاهلی است. این کاری است که خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) در این زمان بخصوص، از آن راضی نیستند. نمی‌گوییم حرام است. نمی‌گوییم از دواج باطل است. اما خلاف سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اولاد ایشان و ائمه‌ی هدی (علیهم السلام) و بزرگان

اسلام است. خلاف روش اینهاست و بخصوص در زمان ما که کشور احتیاج دارد به اینکه همه‌ی کارهای صحیح، آسان شود، هیچ مصلحت نیست که بعضی از دواجها را این طور مشکل کنند. ۷۳/۹/۲

ج-جهیزیه، توشه‌ی زندگی یا بهانه‌ی فخر فروشی؟

عزت دختر به اخلاق است، نه جهیزیه

جهیزیه برای دختر مایه‌ی عزت نیست. عزت دختر به اخلاق او و رفتار و شخصیت خود اوست. بعضی از خانواده‌های عروس، خودشان را به زحمت می‌اندازند و اگر پول هم ندارند به زحمت پول تهیه می‌کنند. اگر پول دارند خرج زیادی می‌کنند، برای اینکه یک جهیزیه مفصل پر زرق و برقی را مثلاً در اختیار دخترشان بگذارند. ۷۷/۱۲/۲۸

مهریه و جهیزیه‌ی زیاد، هیچ دختری را خوشبخت نمی‌کند و هیچ خانواده‌ای را به آن آرامش و سکون و اعتماد لازم نمی‌رساند. اینها زوایای زندگی است. فضول [۴] زندگی است و جز درد سر و اسباب زحمت و اسباب مشکل فایده‌ای ندارد. ۷۵/۹/۱۸

مبادا بروید پول قرض کنید، جهیزیه درست کنید. مبادا خودتان را به زحمت ببندازید. مبادا خانواده‌تان را به زحمت ببندازید. مبادا خیال کنید که دخترتان اگر جهیزیه اش کمتر از دختر همسایه و قوم و خویش بود، این سرشکستگی است. نه این سرشکستگی نیست. ۸۱/۳/۲۹

چشم و هم‌چشمی و معضل جهیزیه

خانواده‌ها خانواده‌ها روی چشم و هم‌چشمی، جهیزیه را برای خودشان یک معضل می‌کنند. بعد که این معضل را خودشان به یک نحوی تحمّل کردند، تازه نوبت دیگران است که رنج این معضل را ببرند. برای خاطر اینکه وقتی شما در جهیزیه‌ی دخترتان این همه وسایل درست کردید، بعد کسانی که دیدند، تکلیف آنها چیست؟ این چشم و هم‌چشمی‌ها آخر به کجا خواهد رسید؟ این همان مشکلاتی است که درست خواهد شد. اسلام می‌خواهد اینها نباشد. ۷۳/۳/۱۶



بعضیها سعی می‌کنند که برای جهیزیه بزنند روی دست همه‌ی قوم و خویشها و همسایه‌ها و دوست و آشناها که این هم غلط است... باید نگاه کنید ببینید که چه چیزی درست است، چه چیزی حق است آن را انجام بدهید. چه چیزی حق است؟ یک خانواده‌ی دوفره یک وسایلی لازم دارند که یک زندگی ساده‌ای داشته باشند. ۷۹/۸/۳ انواع و اقسام ریخت و پاشها، زیاده‌رویها، کارهای غلط، جهیزیه‌های سنگین. همه جور چیزی را حتماً باید بخرند، بیاورند توی جهیزیه بگذارند، که اقلایک چیز بیشتر از آن دختر خاله‌اش، یا نمی‌دانم خواهرش، یا آن همسایه‌شان یا آن همکلاسی‌شان داشته باشد. اینها از آن غلطهای بسیار موزی و آزاردهنده است، برای خود انسان و برای مردم. خیلی از دختره‌هایی تواننده خانه‌ی بخت برونند، خیلی از پسره‌هایی توانند از دواج کنند، به خاطر همین چیزها. به خاطر همین گرفتاریها. اگر از دواج آسان بود، اگر مردم آن قدر سخت‌گیری نکرده بودند، بعضیها اگر مهریه‌شان سنگین نبود، اگر این جهیزیه‌های جاهلانه نبود و پدر و مادرها به خیال خودشان برای اینکه مبادا دل دخترشان بشکند، خودشان را به آب و آتش نمی‌زدند، این گرفتاریها برای خیلی از خانواده‌ها پیش نمی‌آمد.

۷۱/۱۱/۱

از اول، بعضیها، همه‌ی ریز و درشت و لازم و غیر لازم را برای دخترشان به عنوان جهیزیه فراهم می‌کنند که مبادا از دختر فلانی، از نمی‌دانم دختر عمویش، یا از خواهرش یا از جایش مثلاً کمتر باشد. اینها درست نیست. این کارها غلط است. اسباب زحمت شماس. آن هم زحمتی که هیچ اجری پیش خدا ندارد، مایه‌ی تشکر هم نمی‌شود.

۷۸/۹/۲

به فکر دیگران باشید

از بعضیها وقتی می‌پرسیم که شما چرا برای دوفری که می‌خواهند زندگی بکنند، بازار را می‌خواهید خالی کنید که جهیزیه برای خودتان درست کنید؟ می‌گویند: خب ما داریم. چون داریم می‌خواهیم بکنیم. آیا این استدلال کافی است؟ چون داریم! نه. این استدلال به هیچ وجه کافی نیست. استدلال غلطی است. در یک جامعه همه جور انسان زندگی می‌کند. شما باید کاری کنید که آن دختری هم که ندارد، اگر خواست شوهر بکند بتواند

والّا این جهیزیه‌ای که شما دارید برای دخترتان درست می‌کنید، این مهریه‌ای که شما دارید به عروستان می‌دهید، این دیگر دَر از دواج را برای دیگران خواهد بست... این روش انسانی نیست، این روش اسلامی نیست. ۷۵/۸/۵

جهیزیه‌ی بهترین عروس عالم

شمانگاه کنید به دختر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، بهترین دخترهای عالم، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بود. بهترین زنهای اولین و آخرین، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بود. هرگز دختری و زنی به آن خوبی، به آن شرافت و به آن عظمت نیامده است. همه زنهای عالم از اوّل تا آخر در مقابل او مثل خدمت کارهایی هستند. مثل ذراتی هستند در مقابل خورشید جهان افروز. شوهرش هم امیر المؤمنین (علیه السلام)، بهترین مردان عالم. اگر چنانچه همه‌ی فضائل و مکارمشان را جمع کنیم. همه‌ی مردان عالم به یک ناخن او هم نمی‌رسند؛ این دو مظهر عظمت، مظهر زیبایی و فضیلت، با همدیگر ازدواج کردند. جهیزیه‌شان همان چند قلم ارزان قیمتی بود که در کتابها نوشته‌اند و ضبط کرده‌اند: یک تکه حصیر، یک تکه لیف خرما، یک دست رختخواب و یک دستاس، یک کوزه، یک کاسه. همه‌اش را اگر چنانچه به پول امروزی روی همدیگر بگذارند، معلوم نیست که چند هزار تومان مختصری بیشتر بشود. همان مهریه را از امیر المؤمنین (علیه السلام) گرفتند و پولش را دادند جهیزیه‌ی مختصری را فراهم کردند و بردند خانه‌ی شوهر. حالا ما نمی‌گوییم دخترهای ما مثل فاطمه زهرا (سلام الله علیها) جهیزیه بگیرند. نه دخترهای ما مثل فاطمه زهرا هستند و نه خود ماها مثل پدر ایشان هستیم و نه پسرهای ما مثل امیر مؤمنان (علیه السلام)، شوهر فاطمه زهرا آیند. ما کجا و آنها کجا؟ زمین تا آسمان با هم فرق داریم. اما معلوم می‌شود راه، آن راه است. جهت، آن جهت است. جهیزیه را مختصر بگیرد. به این و آن نگاه نکنید، خرج زیادی نکنید. کار را برای کسانی که ندارند مشکل نکنید.

۷۲/۱/۵

جهیزیه‌ی فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، به قدری بود که شاید دو نفر آدم با دست می‌توانستند از این خانه بردارند ببرند آن خانه. ببینید افتخار اینهاست. ارزش اینهاست.



آیا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نمی‌توانستند یک جهیزیه‌ی مفصل تشکیل دهند؟ اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) اشاره‌ای می‌کردند، این مسلمانانی که در اطراف ایشان بودند، بعضی‌هایشان هم آدم‌های متمکّنی بودند، پول هم داشتند، از خدا می‌خواستند که بیایند یک هدیه‌ای بدهند، کمکی نکنند. نکردند. چرا نکردند؟ این برای این است که من و شما یاد بگیریم. و آلا بنشینیم و تعریف کنیم و خوشمان بیاید و بعد هم یاد بگیریم، چه فایده‌ای دارد؟ استفاده‌اش را نمی‌بریم. نسخه‌ی طبیب را که انسان نباید بگذارد روی طاقچه تماشا کند. باید عمل کنیم تا بهره‌اش را ببریم. رژیم غذایی را باید عمل کنید تا فایده‌اش را ببرید. اینها رژیم غذایی روح است، رژیم غذایی صحت جامعه است. صحت خانواده است. باید عمل شود. ساده برگزار کنید. ۷۵/۹/۵

عروس خانم‌ها شما نگذارید

نگذارید جهیزیه‌ها را سنگین کنند. دخترها نگذارند. عروس‌ها شما نگذارید. پدر و مادرها هم اگر می‌خواهند، شما نگذارید. این همه جنس گران را می‌خواهید چه کنید؟

۷۳/۹/۲۳

مادرهای عروس‌ها در تهیه جهیزیه دست نگه دارند، خیلی افراط و اسراف نکنند. نگویند حالا مثلاً دخترمان است، دلش می‌شکند. نه. دخترها خوبند. دخترها نمی‌خواهند. ما بیخود نباید دل آنها را بکشانیم به این سمت که هر چیز قشنگ و لوکس و... حتماً باید برایش تهیه شود. ۷۹/۱۱/۱۶

این دختر خانم‌ها که می‌خواهند جهیزیه درست کنند، برای خرید اسباب سر عقد و جهیزیه، توی این دکانهای گران قیمت بعضی از جاهای تهران، آن محلات گران قیمت که معروف است - نمی‌خواهم البته اسم بیاورم - من می‌شناسم کجاست که دکانهایش معروف است به جنس گران، اصلاً طرف آنها پا نگذارند. بروند آن جاهایی که معروف به گرانی نیست. این طور نباشد که داماد بیچاره را دنبالش راه بیندازند برای خرید عروس و خرید عقد. متأسفانه از این کارها می‌کنند. ۷۲/۳/۱۹